

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وحدت اسلامی
برپایہ
مرجعیت علمی اہل بیت
(علیہ السلام)

محمد علی تسخیری

مترجم
سید جلال میرآقایی

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : واحدت اسلامی برپایه مرجعیت علمی اهل بیت (علیهم السلام) // تألیف: محمدعلی تسخیری ؛ ترجمه جلال میرآقایی.
مشخصات نشر : تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری : ۱۰۴ ص : ۱/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۱۶۷-۰۹۴-۰
وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا.
یادداشت : عنوان اصلی: الوحدة الاسلامية حول محور المرجعية العلمية لاهل البيت.
موضوع : علم امام -- احادیث.
موضوع : علم امام - جنبه‌های قرآنی.
موضوع : وحدت اسلامی
موضوع : رهبری
موضوع : وحدت اسلامی - جنبه‌های قرآنی
شناسه افزوده : میرآقایی، جلال، مترجم.
شناسه افزوده : مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی.
رده‌بندی کنگره : ۱۳۸۸ ۳ و ۵ ت/۳۴/۲۲۳ BP.
رده‌بندی دیویی : ۲۹۷/۴۵.
شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۴۱۶۸۲



مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

نام کتاب: واحدت اسلامی برپایه مرجعیت علمی اهل بیت (ع)
نویسنده: محمد علی تسخیری
مترجم: سید جلال الدین میرآقایی
ناشر: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی - معاونت فرهنگی
نوبت چاپ: سوم، ۱۳۹۱ ش
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۱۰۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۶۷-۰۹۴-۰
آدرس: تهران - ص . پ : ۶۹۹۵ - ۱۵۸۷۵ تلفکس: ۸۸۲۲۵۳۲

حق چاپ و نشر محفوظ

فهرست مطالب

موضوع	صفحه
پیشگفتار.....	۷
مقدمه.....	۱۲
فصل اول: مرجعیت علمی مسلمانان در قرآن و سنت	۱۵
مرجعیت علمی اهل بیت در قرآن مجید.....	۱۸
- آیه ذکر.....	۱۸
- راسخان در علم.....	۱۹
- علم کتاب نزد کیست؟.....	۲۰
- آیه تطهیر.....	۲۰
- اجر رسالت.....	۲۱
مرجعیت اهل بیت از دیدگاه سنت شریف نبوی.....	۲۳
- حدیث کساء.....	۲۳
- حدیث ثقلین.....	۲۵
- حدیث رفع اختلاف.....	۲۸
- علی داناترین فرد امت.....	۲۸
- علی اولین مسلمان.....	۲۹
- امان امت.....	۲۹
- حدیث سفینه.....	۲۹
- داناترین مردم به کتاب و سنت.....	۳۰
- درخت نبوت.....	۳۰
- جانشینان پیامبر دوازده نفرند.....	۳۰
فصل دوم: منابع علم اهل بیت	۳۳
- قرآن کریم.....	۳۶
- پیامبر اکرم.....	۳۸
- امام پیشین.....	۴۲
- آگاهی و تجربیات شخصی.....	۴۲

فصل سوم: جایگاه علمی اهل بیت در میان امت اسلامی ۴۵

- جایگاه علمی امام علی (ع) در عصر خلفا ۴۸
- در زمان خلافت ابوبکر ۴۸
- در زمان خلافت عمر ۴۸
- در زمان خلافت عثمان ۵۱
- اعتراف عایشه به دانش علمی ۵۱
- علی ابن ابی طالب و سعد ابن ابی وقاص ۵۲
- جایگاه علمی اهل بیت پیامبر از دیدگاه شاعران بزرگ** ۵۳
- قصیده فرزدق ۵۳
- قصیده ابو نؤاس ۵۴
- قصیده ابو فراس حمدانی ۵۵
- شعر امام شافعی ۵۶
- جایگاه اهل بیت پیامبر نزد پیشوایان مذاهب** ۵۷
- سخن ابو زهره ۵۸

فصل چهارم: جلوه‌های عینی علوم اهل بیت ۶۱

- مناظره علمی با دانشمندان ۶۳
- مناظرات امام علی (ع) ۶۴
- مناظرات امام حسن مجتبی (ع) ۶۵
- مناظرات امام جعفر صادق (ع) ۶۵
- مناظرات امام علی ابن موسی الرضا (ع) ۶۷
- مناظره امام جواد (ع) ۶۸
- میراث علمی اهل بیت پیامبر** ۷۰
- ائمه اهل بیت پیشتاز امت اسلام در تألیف و تصنیف ۷۱
- دانش اهل بیت در خدمت مصالح امت اسلامی ۷۵
- آخرین سخن ۸۳
- روش استقرائی در اثبات حقایق علمی ۸۷
- بیانیه پایانی چهاردهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی ۸۹
- فهرست منابع و مصادر ۹۹

پیشگفتار

یکی از آفات بحثهای یک طرفه در جمع «مستمعان» همفکر و «مربدان» موافق، شعار زدگی، عدم توجه کافی به ادله محکم و برهانهای قانع کننده و تکیه بیش از حد بر عواطف و احساسات است. اما بحث و گفت‌وگو در جمع صاحبان آرا و عقاید مخالف و مختلف، گوینده را وامی‌دارد تا به حد کافی به منابع و دلایلی روی آورد که مورد قبول طرف مقابل باشد.

در کنفرانسهای بین‌المللی که فضا، فضای گفت‌وگو بین افرادی است که اختلافات فکری بسیار با یکدیگر دارند، فقط شیوه دوم کارایی دارد. و البته آثار و ثمراتش عمیق، ماندنی و در سطح بسیار گسترده‌ای سودمند خواهد بود.

«مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» هر سال به مناسبت «هفته وحدت» میلاد با سعادت پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع) از علما و متفکران مذاهب اسلامی دعوت و همایش عظیم و با شکوهی تحت عنوان «کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی» برگزار می‌کند. در هر یک از این همایشها یکی از مباحث فکری، عقیدتی و یا فقهی مورد اهتمام مسلمانان به شیوه‌ای علمی و مستدل و در فضایی صمیمانه و به دور از شعار زدگی به بحث و بررسی گذارده می‌شود.

موضوع چهاردهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی که در خردادماه ۱۳۸۰ در تهران برپا شد «جایگاه اهل بیت در اسلام و امت اسلامی» بود.

دانشمندان و متفکران بسیاری از جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی در این کنفرانس به ارائه دیدگاههای خود پرداختند. از جمله محورهای مورد بحث این اندیشمندان «مرجعیت علمی اهل بیت» بود که نزدیک به ده مقاله به زبانهای فارسی و عربی از داخل و خارج کشور پیرامون آن نگاشته و به کنفرانس عرضه شد.

مقاله حاضر نوشته آیت الله محمد علی تسخیری، دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی است که تحت عنوان «الوحدة الاسلامیة حول محور المرجعیة العلمیة لأهل البیت علیهم السلام» نظر شرکت کنندگان در کنفرانس را به خود جلب کرد. نظم منطقی، غنای علمی، ایجاز، تکیه بر منابع معتبر اهل سنت، دوری از شعار زدگی و احساسات، در عین حال رعایت ادب و احترام نسبت به طرف مقابل و انصاف در بحث، از جمله ویژگیهایی است که به این مقاله امتیاز می‌بخشد.

اینجانب در نظر داشتم برخی از مقالات متفکران مصری را در این زمینه ترجمه و تقدیم خوانندگان گرامی کنم. اما به خاطر امتیازات فوق، مخصوصاً غنای منابع و مصادر آن که همگی از کتابهای اهل سنت است، ترجیح دادم دست به ترجمه این مقاله بزنم. عقیده من بر این است که این نوشتار در ایجاد الفت و عاطفه برادری بین برادران شیعه و سنی نقش مؤثری خواهد داشت. زیرا از یک سو دیدگاه صحابه پیامبر، خلفای راشدین، ائمه مذاهب و بزرگان اهل سنت را نسبت به ائمه اهل بیت بیان می‌کند و از سوی دیگر مراتب همکاری، نزدیکی و احترام متقابل ائمه اهل بیت را نسبت به شخصیت‌های مورد احترام اهل سنت آشکار می‌سازد. مطالعه این کتاب قطعاً در شناخت متقابل اتباع مذاهب اسلامی از معتقدات یکدیگر تأثیر سازنده دارد. به علاوه، به آنها نشان می‌دهد که توجه به مصالح عالی‌امت اسلام و تقدم آن بر مصالح و منافع شخصی و فرقه‌ای، اصل خدشه‌ناپذیر در زندگی اولیاء اسلام بوده است. ضمن اینکه تفسیری گویا و رسا از حدیث شریف نبوی «حدیث الثقلین» را که برای همیشه دستور العمل

زندگی مسلمانان و راه نجات آنان از گمراهی است، به کلیه پیروان مذاهب اسلامی ارائه می‌دهد.

اینجانب بسیار شنیده‌ام که مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (قدس الله روحه) که به حق رائد و طلایه‌دار بزرگ وحدت اسلامی و تقریب مذاهب در عصر اخیر بوده است، بارها به شاگردان خویش گوشزد می‌فرموده است که موضوع امامت سیاسی و زعامت دنیوی ائمه اهل بیت (ع) برای برادران اهل سنت قابل بحث نیست. آنها واقعیت تاریخ اسلام را - تا پایان عصر خلفای راشدین - به همین صورت که اتفاق افتاده قبول دارند. و به همه صحابه پیامبر احترام می‌گذارند؛ برای ما هم تغییر تاریخ گذشته امکان پذیر نیست. بیائیم بر سر آنچه امکان پذیر است و می‌تواند مورد قبول برادران اهل سنت قرار گیرد و ثمره عملی در عصر ما و در زمانهای آینده دارد، و در عین حال ایجاد حساسیت و اختلاف نمی‌کند، گفت‌وگو کنیم. و آن «مرجعیت علمی اهل بیت» و «حدیث ثقلین» است. آن مرحوم بارها «حدیث ثقلین» را در درس تکرار و به شرح و تفسیر آن می‌پرداخت. در مقدمه کتاب شریف «جامع احادیث الشیعه» هم بحث مستوفایی پیرامون آن دارد.

علی ای حال، برگزاری چهاردهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی و تکیه بر «جایگاه اهل بیت در اسلام و امت اسلامی» و «مرجعیت علمی آنان» پیگیری همان خطی است که مرحوم آیت الله العظمی بروجردی منادی آن بود. و امام راحل عظیم‌الشان هم در مقدمه وصیتنامه سیاسی الهی خود با تکیه بر حدیث ثقلین و نیز در تمامی مراحل انقلاب اسلامی با طرح اصل وحدت اسلامی و همچنین حضرت آیت الله خامنه‌ای مدظله‌العالی رهبر معظم انقلاب اسلامی با تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بر اصالت و درستی آن گواهی داده‌اند.

در پایان این کتاب، متن بیانیه پایانی کنفرانس را هم که به تأیید صدها تن از اندیشمندان سنی و شیعه رسیده است منتشر می‌کنیم تا مورد استفاده و بهره‌برداری کلیه خوانندگان قرار گیرد.

در اینجا بر خود لازم می‌دانم از مؤلف محترم حضرت آیت الله تسخیری که اجازه ترجمه این مقاله را به حقیر عنایت فرمودند کمال سپاسگزاری و امتنان را ابراز نمایم و ثواب این ترجمه را که بخش اعظمش در شبهای مبارک قدر انجام شده است، به روح بلند اسوه بزرگ وحدت، مولای متقیان، امیر مؤمنان امام علی ابن ابی طالب(ع) تقدیم نمایم.

سید جلال میرآقایی

مقدمه

مرجعیت علمی مسلمانان صدها سال محور بحث و گفت‌وگو بوده است. مسلمانان هرچه از صدر اسلام و عصر صدور قرآن و سنت فاصله گرفته‌اند، اهمیت این بحث نزد آنان افزایش یافته؛ و نیازشان به وجود فصل مشترکی برای اتحاد و همبستگی نمایان‌تر شده است.

از آنجا که قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم، دو محور اساسی و چارچوب واقعی اتحاد امت اسلام هستند، اتفاق نظر بر مرجعیتی علمی که تفسیر کننده قرآن و سنت بوده، پرده از چهره معانی آنها بردارد، و با رأی قاطع خویش به اختلافات فقهی و کلامی پایان دهد، اجتناب ناپذیر می‌نماید.

ما در این تحقیق با فرض انحصار این مرجعیت به اهل بیت پیامبر گفت‌وگویی علمی را آغاز می‌کنیم. فایده این انحصار آن است که بحث در چارچوبی مشخص و شفاف طرح می‌گردد، و از پراکنده‌گویی و تشتت رأی جلوگیری می‌شود.

و صد البته که نظریه فوق دارای مبانی محکم و استواری است که هنگام بحث پیرامون مرجعیت علمی از دیدگاه کتاب و سنت به ارائه آن می‌پردازیم. زیرا کتاب و سنت دو منبع مقدس هستند که همه فرق و مذاهب اسلامی آن را پذیرفته و به آن استدلال می‌کنند.

بنابراین، هدف ما در این بحث اثبات مرجعیت اهل بیت پیامبر (علیهم السلام)

است. در این راه از دایرة المعارفهای حدیثی، فقهی و تاریخی اهل سنت بیش از کتب شیعه بهره می‌گیریم. زیرا شیعیان تردیدی در مرجعیت اهل بیت ندارند، و این یک اصل کلی و پذیرفته شده در مذهب آنان است. این دیگران هستند که مورد خطاب اصلی ما هستند و بحث در واقع متوجه آنهاست. این بحث در چارچوبی علمی، عمیق و مورد اتفاق پیش می‌رود تا مرجعیتی را به اثبات برساند که در شکل و محتوا مورد اجماع همه مسلمانان باشد.

دستیابی به این مقصد مشترک می‌تواند بر اختلافات تاریخی مسلمانان چیره گشته و بر فصل مشترکی تأکید کند که مسلمانان را در حال و آینده گردهم آورد. علاوه بر آن، از تلف شدن بخش عظیمی از معارف اسلامی که اکثریت مسلمانان، بی تفاوت از کنار آن عبور کرده و از آن بهره نمی‌گیرند - علی رغم اینکه دریایی مواج و سرشار از معارف است - جلوگیری کند.

این بحث شامل چند محور است و هر محور در برگیرنده مجموعه‌ای از استدلالهایی است که نتایجی علمی به همراه دارد. نتیجه هر دسته از استدلالها به‌طور طبیعی پایه‌ای برای مرحله بعدی است که به تدریج و طبق شیوه‌ای استقرایی رو به کمال می‌رود تا در پایان، مقدمه‌ای برای دستیابی به نتایج مطلوب باشد.

فصل اول:

**مرجعیت علمی مسلمانان
از نظر قرآن و سنت**

مقدمه:

منظور از مرجعیت علمی - همان طور که اشاره شد - نقطه مشترکی است که مورد اتفاق مسلمانان و پایان دهنده اختلافات آنها، مخصوصاً در عرصه های فقهی و اعتقادی باشد. این مرجعیت حقایق قرآن و سنت را به گونه ای بازگو می کند که مانع از برخورد بین مسلمانان می شود. از آنجا که قرآن کریم و سنت شریف نبوی دو منبع مقدس نزد همه مسلمانان هستند اجازه دهیم که آنها خود این مرجعیت را با نام و نشان به ما معرفی کنند. البته در اینجا وارد مباحث اصولی درباره حجیت ادله نمی شویم زیرا بنای ما بر این است که به هیچ وجه از اصول مورد اتفاق به ویژه آنهایی که مربوط به حجیت و دلالت احادیث و برخی از نصوص است خارج نشویم.

ما با استقراء پیرامون مرجعیت علمی در آیات قرآن کریم و سنت نبوی به اینجا رسیده ایم که در این نصوص به مرجعیتی غیر از مرجعیت اهل بیت اشاره نشده است. هر چند، برخی احادیث ضعیف دیگر وجود دارد که مورد اختلاف مسلمانان است؛ لذا آنها را رها کرده و به نصوصی روی آورده ایم که مورد اتفاق همه است.

با توجه به محدوده و چارچوبی که برای بحث تعیین کرده ایم، مروری سریع بر ادله کتاب و سنت می کنیم؛ به گونه ای که هم بحث به درازا نکشد و هم به مقصد نزدیک تر شویم.

در آغاز، به بررسی آیات قرآن که با احادیث شریف نبوی تفسیر شده اند

می‌پردازیم:

مرجعیت علمی اهل بیت در قرآن مجید

۱ - آیه ذکر:

﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^(۱)

از اهل ذکر سؤال کنید اگر نمی‌دانید.

در تفسیر ابن جریر طبری به سندش از جابر جعفی آمده است:

هنگامی که این آیه نازل شد علی(ع) فرمود:

«نحن اهل الذکر»^(۲) ما اهل ذکر هستیم.

و حارث می‌گوید:

سألت علیاً عن هذه الآية «فاسالوا اهل الذکر» فقال: «والله انا نحن اهل الذکر،

نحن اهل الذکر، نحن اهل العلم ونحن معدن التأویل والتنزیل».^(۳)

از علی(ع) درباره آیه «فاسالوا اهل الذکر» پرسیدم فرمود: به خدا قسم ما اهل

ذکر هستیم، ما اهل ذکر هستیم، ما اهل علم هستیم و ما معدن تأویل و تنزیل

هستیم.

۲- راسخان در علم:

﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾^(۴)

تأویل قرآن را کسی جز خدا و راسخان در علم نمی‌داند.

۱- سورة نحل، آیه ۴۳ و سورة انبیاء، آیه ۷.

۲- تفسیر القرآن، ابن جریر طبری، ج ۱۷، ص ۵.

۳- شواهد التنزیل لقواعد التفصیل، حاکم نیشابوری، ج ۱، ص ۴۳۲/والمناقب، ابن شهر آشوب،

ج ۴، ص ۱۷۹.

۴- سورة ال عمران، آیه ۷.

علی (ع) در خطبه‌ای می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ زَعَمُوا أَنَّهُمُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ دُونَنَا كَذِبًا وَبَعِيًا عَلَيْنَا أَنْ رَفَعَنَا اللَّهُ وَوَضَعَهُمْ وَأَعْطَانَا وَحَرَمَهُمْ وَأَدْخَلَنَا وَآخَرَجَهُمْ بِنَا يُسْتَعْطَى الْهُدَى وَيُسْتَجَلَى الْعَمَى»^(۱)

کجايند کسانی که پنداشتند آنان - نه ما - دانیان علم قرآنند؟ به دروغ و ستمی که بر ما می‌رانند. خدا ما را بالا برده و آنان را فرو گذاشته، به ما عطا کرده و آنان را محروم داشته، ما را در - حوزه عنایت خود - درآورده، و آنان را از آن برون کرده است. راه هدایت را با راهنمایی ما می‌پویند، و روشنی دل‌های کور را از ما می‌جویند.^(۲)

۳- علم کتاب نزد کیست؟

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾^(۳)

آنها که کافر شدند می‌گویند «تو پیامبر نیستی». بگو «کافی است که خداوند و کسی که علم کتاب (و آگاهی بر قرآن) نزد اوست، میان من و شما گواه باشند. ابو سعید خدری گوید «سألت رسول الله عن هذه الآية قال: «ذاك أخي علي ابن أبي طالب»^(۴).

از رسول خدا درباره این آیه سؤال کردم، فرمود: «او برادرم علی بن ابی طالب است».

۱- نهج البلاغه، خ ۱۴۴/والمناقب، ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۸۵.

۲- نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی.

۳- سورة رعد، آیه ۴۳.

۴- شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰۰، حدیث ۴۲۲/والامالی، شیخ صدوق، ج ۳، ص ۴۵۳ و...

۴ - آیه تطهیر:

﴿ اِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ﴾^(۱)

همانا خداوند خواسته است تا پلیدی و گناه را از شما اهل بیت ببرد و شما را کاملاً پاک سازد.

پیامبر اکرم در تفسیر این آیه می فرماید:

«انا واهل بیتی مطهرون من الذنوب».^(۲) من و خانواده‌ام از گناهان پاک هستیم.

و نیز می فرماید:

«انا وعلی و الحسن و الحسین و تسعة من ولد الحسین مطهرون معصومون»^(۳)

من و علی و حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین پاک و معصوم هستیم. آیه تطهیر بر عنایت ویژه خداوند به اهل بیت پیامبر و دوری آنان از لغزش و انحراف تأکید می کند. تا آنان نمونه‌های بلند انسانیت باشند و در اختلافات در سایر مصادر و منابع دین مورد رجوع مسلمانان باشند.

۵ - اجر رسالت:

﴿ قُلْ لَّا اَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى ﴾^(۴)

بگو در برابر آن - رنج بیست و سه سال رسالت - مزدی از شما نمی خواهم جز دوستی و محبت نزدیکانم.

عبدالله ابن عباس روایت می کند: وقتی از رسول خدا درباره این آیه پرسیدند

که: «من هم القربى؟» قال: «علي و فاطمة وابناها».^(۵)

۱- سورة احزاب، آیه ۳۳.

۲- دلائل النبوة، بیهقی، ج ۱، ص ۱۷۰/ و البداية والنهاية، ابن كثير، ج ۲، ص ۲۵۷/ والمعجم الكبير، لخمی طبرانی، ج ۱۲، ص ۸۱ حدیث ۱۲۶۰۴ و...

۳- ینابیع المودة، قندروزی حنفی، ج ۳، ص ۲۶۱، حدیث ۹/ وفرائد السمطين، ابراهيم جوينی، ج ۲، ص ۱۳۳، حدیث ۴۳۰/ و....

۴- سورة شوری، آیه ۲۳.

۵- فضائل الصحابة، احمد بن محمد بن حنبل، ج ۲، ص ۶۶۹، حدیث ۱۱۴۱/ والمعجم الكبير،

خویشان تو کیستند؟ فرمود: علی و فاطمه و دو پسرش.
 سعید بن جبیر نیز می‌گوید: «آنها خویشان از آل محمدند».^(۱)
 این آیه دلها و خردها را به اهل بیت پیامبر پیوند می‌دهد و تأکید می‌کند که دوستی واقعی با آنان اجر رسالت است. و موالات با آنان - حداقل در بعد علمی - مودت حقیقی است.
 و شاید بتوان از آیه کریمه ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾^(۲) (بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خداوند شما را دوست داشته باشد) تلازم بین «پیروی کردن» و «محبت» را استفاده کرد.

لخمی طبرانی، ج ۳، ص ۴۷، حدیث ۲۶۴۱/ والدر المشور فی التفسیر الماثور، عبدالرحمن سیوطی، ج ۷، ص ۳۴۸/...

۱- صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۸۱۹، حدیث ۴۵۴۱/ وسنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۷۷، حدیث ۳۲۵۱/ ومسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۶۱۴، ح ۲۵۹۹ / و...
 ۲- سورة آل عمران، آیه ۳۱.

مرجعیت اهل بیت از دیدگاه سنت شریف نبوی

۱- حدیث کساء:

«حدیث کساء» مقصود از اهل بیت را در آیه تطهیر روشن می‌سازد: ابن عباس روایت می‌کند: اخذ رسول الله (ص) ثوبه فوضعه علی علی و فاطمه و حسن و حسین و قال: ﴿ اِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ﴾^(۱)

پیامبر اکرم عبایش را گرفت و روی علی و فاطمه و حسن و حسین انداخت و فرمود: «همانا خداوند می‌خواهد هرگونه آلودگی گناه را از شما برده و شما را پاک کند، پاک کردنی.

و ام سلمه می‌گوید: وقتی این آیه نازل شد: ﴿ اِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ﴾ رسول خدا علی و فاطمه و حسن و حسین را فراخواند و بر آنان عبایی خیبری انداخت و فرمود: «اللهم هؤلاء اهل بیتی، اللهم اذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا».

خدایا اینان اهل بیت من هستند. خدایا پلیدی را از آنان ببر و آنان را پاک و پاکیزه بگردان.

قالت ام سلمة لرسول الله: «الست منهم؟ قال انت الی خیر!

ام سلمه به پیامبر عرض کرد: آیا من از آنان (اهل بیت) نیستم؟ پیامبر فرمود:

۱- المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۴۳، حدیث ۴۶۵۲/والمستند، احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۷۰۸، حدیث ۳۰۶۲/وتاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۱، ص ۱۸۵، حدیث ۲۵۰/و...

تو زن خوبی هستی.^(۱)

این حدیث را عطاء ابن یسار، ابو سعید خدری، ابو هریره، حکیم ابن سعد، شهر ابن حوشب، عبدالله ابن مغیره، عطاء ابن ابی ریاح، عمرة ابن افعی و علی ابن الحسین زین العابدین (ع) از ام سلمه نقل کرده‌اند.

همچنان که همین حدیث را صفیه بنت شبیه، عوام ابن حوشب به واسطه تمیمی و جمیع ابن عمیر از عایشه به شکل زیر نقل کرده‌اند:

«خرج النبي غداةً وعليه مِرْطٌ مرَّحَلٌ من شعر اسود، فجاء الحسن بن علي فادخله، ثم جاء الحسين فدخل معه، ثم جاءت فاطمة فادخلها، ثم جاء في فادخله، ثم قال: ﴿ ائْمَا يُرِيدُ اللّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ﴾^(۲)

روزی پیامبر اکرم (ص) در حالی که لباسی منقوش از پشم سیاه بر تن داشت، بیرون آمد. پس حسن ابن علی (ع) آمد؛ او را زیر لباسش جای داد. سپس حسین (ع) آمد و در زیر لباس پیامبر جای گرفت. سپس فاطمه (س) آمد. او را نیز داخل کرد. بعد از آن، علی (ع) وارد شد. پیامبر او را هم در زیر لباسش گرفت و فرمود: ﴿ ائْمَا يُرِيدُ اللّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ﴾.

حدیث کساء را جمع زیاد دیگری از صحابه نقل کرده‌اند. از جمله:

ابو سعید خدری، ابو برزه، ابو الحمراء، ابو ایلی انصاری، انس ابن مالک، براء ابن عازب، ثوبان، جابر ابن عبدالله انصاری، زید ابن ارقم، زینب بنت ابی سلمه، سعد ابن ابی وقاص، صبیح مولی ام سلمه، عبدالله ابن جعفر، عمر ابن ابی سلمه،

۱- المستدرک علی الصحیحین: حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۵۸، حدیث ۴۷۰۵ و ج ۲، ص ۴۵۱، حدیث ۳۵۵۸/ والسنن الکبری، ابو بکر بیهقی، ج ۲، ص ۲۱۴، حدیث ۲۸۶۱/ والمعجم الکبیر، ج ۳، ص ۵۲، حدیث ۲۶۶۲/ و...

۲- صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۸۳، حدیث ۲۴۲۴/ والسنن الکبری، بیهقی، ج ۲، ص ۲۱۲، حدیث ۲۸۵۸/ وتفسیر طبری، ج ۲۲، ص ۶/ و...

عمر ابن خطاب و دیگران.

روایات این راویان تصریح می‌کند که منظور پیامبر از اهل بیت علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) هستند و اکثر اسانید این روایات از صحاح سته و سایر موسوعات حدیثی اهل سنت نقل شده است.^(۱)

۲ - حدیث ثقلین:

حدیث ثقلین نیز منظور از اهل بیت را که همان عترت هستند آشکار می‌سازد و مرجعیت عام آنها را بیان می‌کند.

پیامبر اکرم در حدیث ثقلین می‌فرماید:

«انی تارك فيكم ما ان تمسكتم به لن تضلوا بعدي، احدهما اعظم من الاخر: كتاب الله جبل ممدود من السماء الى الارض، وعترتي اهل بيتي، ولن يتفرقا حتى يردا على الحوض، فانظروا كيف تخلفوني فيهما».^(۲)

من در میان شما چیزی را بر جای می‌گذارم که بعد از من گمراه نشوید. یکی از آنها که بزرگتر از دیگری است، کتاب خدا است؛ ریسمانی که از آسمان به زمین کشیده شده است. (و دیگری) عترت و خاندان من هستند. این دو از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند. پس ببینید (مواظب باشید) که بعد از من چگونه با آنها رفتار می‌کنید.

«انی قد تركت فيكم الثقلين احدهما اكبر من الاخر: كتاب الله تعالى وعترتي، فانظروا كيف

۱- اهل البيت في الكتاب والسنة، محمدی ری شهری، صص ۲۷ تا ۵۰.

۲- صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۳، حدیث ۲۴۰۸/ و سنن دارمی، ج ۲، ص ۸۸۹، حدیث ۳۱۹۸/ و مسند احمد بن حنبل، ج ۷، ص ۷۵، حدیث ۱۹۲۸۵/ و السنن الکبری، ج ۱۰، ص ۱۹۴، حدیث ۲۰۳۳۵/ و فرائد السمطين، ج ۲، ص ۲۳۴، حدیث ۵۱۳/ و سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۶۳، حدیث ۳۷۸۸..

تخلفونی فیهما، فانهما لن یتفرقا حتی یردا علیّ الحوض»^(۱).

من در میان شما دو چیز گرانبها (یا سنگین) بر جای گذاشتم که یکی از دیگری بزرگتر است؛ کتاب خداوند متعال و عترتم. نگاه کنید که بعد از من چگونه با آنها رفتار می‌کنید. آنها از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند.

حدیث ثقلین، «اهل بیت» را همتای «قرآن» قرار داده است. این حدیث را نیز بیش از سی و سه نفر از اصحاب روایت کرده‌اند. از جمله: ابویوب انصاری، ابوذر غفاری، ابو سعدی خدری، ابو شریح خزاعی، ابوقدومه انصاری، ابوهریره، ام سلمه، انس ابن مالک، خزیمه ذو الشهادتین، سعد ابن ابی وقاص، زید ابن ثابت، سلمان فارسی، عبدالرحمن ابن عوف، عبدالله ابن عباس، عمر ابن خطاب و عمرو بن عاص.^(۲)

با توجه به حدیث ثقلین برخی از علمای اهل سنت (محمد ابوزهره) استدلال کرده‌اند که منظور از مرجعیت در این حدیث، مرجعیت فقهی است. و به تعبیر او «لا یدل علی امامة السیاسة وانه ادل علی امامة الفقه والعلم»^(۳).

این حدیث بر مرجعیت اهل بیت در امور سیاسی دلالت نمی‌کند زیرا دلالتش بر امامت در فقه و علم بیشتر است.

در اینجا قصد مناقشه با او در مورد دلالت حدیث نداریم و به امامت علمی اهل بیت که حداقل مورد اتفاق فریقین است، اکتفا می‌کنیم.

۱- المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۱۸، حدیث ۴۵۷۶/ وخصائص الامام امیر المؤمنین، نسائی، ص ۱۵۰ و...

۲- صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۴، حدیث ۳۶ و ۳۷/ و سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۶۲، حدیث ۲۷۸۶ و ۲۷۸۸/ و سنن دارمی، ج ۲، ص ۸۸۹، حدیث ۳۱۹۸/ و مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۳۰، حدیث ۱۱۱۰۴/ و دهها منبع دیگر.

۳- شیخ محمد ابو زهره در کتاب الامام جعفر الصادق، ص ۱۹۹.

یکی دیگر از پژوهشگران می‌گوید: او به یکصد و هشتاد و پنج مصدر علمی از مهمترین کتب اهل سنت دست یافته که در همه آنها تصریح به «کتاب الله والعترة» شده است. آنها همچنین گفته‌اند مقصود از عترت، اهل بیت پیامبر هستند که پیامبر در جاهای مختلف از آنها نام برده است؛ از جمله، همین حدیث و حدیث کساء.^(۱)

۳- حدیث رفع اختلاف:

انس ابن مالک گوید پیامبر به علی (ع) فرمود: «انت تبين لأمتي ما اختلفوا في بعدی».^(۲)

تو بعد از من مواردی را که اتم در آن اختلاف می‌کنند، بیان می‌کنی. دلالت این حدیث بر مرجعیت علمی اهل بیت روشن است.

۴- علی (ع) داناترین فرد امت:

سلمان فارسی گوید قال الرسول (ص): «اعلم امتي من بعدی علي ابن ابي طالب».^(۳) پیامبر اکرم فرمود: داناترین اتم بعد از من علی ابن ابی طالب است.

۵- علی اولین مسلمان:

پیامبر اکرم خطاب به حضرت فاطمه زهرا (س) می‌فرماید: «اما ترضين اني زوجتك اول المسلمين اسلاماً واعلمهم علماً».^(۴)

۱- احمد حسين يعقوب در الخطط السياسي لتوحيد الامة الاسلامية، ص ۳۵۱.
 ۲- المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۲. حاکم نیشابوری می‌گوید: این حدیث بنابر شرط شیخین صحیح است/ وکنز العمال، متقی هندی، ج ۶، ص ۱۵۶.
 ۳- کنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۶/ وکنوز الحقایق، مناوی، ص ۱۸.
 ۴- کنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۳.

آیا خشنود نیستی من تو را به همسری کسی در آوردم که اولین و داناترین مسلمانان است؟

۶- امان امت:

عبدالله ابن عباس می گوید پیامبر اکرم فرمود: «النجوم امان لاهل الارض من الغرق واهل بیتی امان لامتی من الاختلاف»^(۱)
ستارگان، امان اهل زمین از غرق شدن هستند و اهل بیت من (نیز) امان امتم از اختلاف هستند.

۷- حدیث سفینه:

ابوذر غفاری می گوید پیامبر اکرم فرمود:
«ألا ان مثل اهل بیتی فیکم کسفینة نوح فی قومه، فمن رکبها نجأ، ومن تخلف عنها غرق»^(۲)
بدانید که اهل بیت من در میان شما مثل کشتی نوح هستند. هرکس سوار آن شد نجات یافت و هرکس عقب ماند غرق شد.

۸- داناترین مردم به کتاب و سنت:

امام علی ابن ابی طالب می فرماید:
«أنا نحن اهل البيت اعلم بما قال الله و رسوله»^(۳)
همانا ما اهل بیت پیامبر به فرموده های خدا و پیامبرش (از دیگران) داناتر

۱- المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۲، حدیث ۴۷۱۵.

۲- فرائد السمطین، ج ۲، ص ۲۴۶، حدیث ۵۱۹ / وینایع المودة، ج ۱، ص ۹۴، حدیث ۵ / والمستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۳، حدیث ۴۷۲۰ / المناقب، ابن المغازلی، صص ۱۳۲ - ۱۳۴ / و...

۳- الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ۶، ص ۲۴۰.

هستیم.

۹- درخت نبوت:

امام علی ابن ابی طالب (ع) می فرماید:

«نحن شجرة النبوة ومحط الرسالة ومختلف الملائكة ومعادن العلم وینابيع الحكم»^(۱).

ما درخت پیامبری، جایگاه رسالت، محل رفت و آمد فرشتگان، معدنهای دانش و سرچشمه های حکمت هستیم.

۱۰- جانشینان پیامبر دوازده نفرند:

جابر بن سمره از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند:

«لا يزال الدين قائم حتى تقوم الساعة او يكون عليكم اثني عشر خليفة كلهم من

قریش»^(۲).

این دین آن قدر ادامه می یابد - تا روز قیامت - که دوازده خلیفه که همگی از قریش اند بر شما حکومت کنند.

و عبدالله ابن مسعود گوید که اصحاب از عدد خلفای امت از پیامبر سؤال کردند. پیامبر فرمود:

«اثني عشر كعدة نقيب بني اسرائيل»^(۳).

آنها دوازده نفرند به عدد برگزیدگان بنی اسرائیل.

شمار زیادی از احادیث صحیح در منابع شیعه و سنی وجود دارد که - با اختلاف در الفاظ - به همین معنا اشاره می کند. بنابراین مسلمانان همگی اتفاق

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹.

۲- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۵۳، حدیث ۱۰ / و مسند ابن حنبل، ج ۷، ص ۴۱۰، حدیث ۲۰۸۶۹ / و مسند ابو یعلی، ج ۶، ص ۴۷۳، حدیث ۷۴۲۹ / و...

۳- مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۵۵، حدیث ۳۷۸۱ / و المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۴۶، حدیث ۸۵۲۹ / و المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۱۵۸، حدیث ۱۰۳۱۰ / و...

نظر دارند که خلفا (جانشینان پیامبر) یا نقبا (برگزیدگان) یا امرا (فرماندهان) و یا ائمه (رهبران) بعد از پیامبر دوازده نفرند و همگی از قریشند و به نص صریح احادیث پیامبر معین شده‌اند.

مقتضای تشبیه آنان به نقبای بنی اسرائیل هم همین است (معین بودن عدد آنها) علاوه بر آن، این احادیث بر جاودان بودن دین تا روز قیامت و باقی بودن امامت تا آن زمان تأکید می‌ورزد. این مطلب مقتضای روایت «مسلم» در صحیح‌اش نیز است.

این احادیث قبل از آنکه عدد ائمه - از علی (ع) ابن ابی طالب تا حضرت مهدی (عج) - به دوازده نفر برسد هم در برخی صحاح و مسانید، پراکنده بوده است. بنابراین محال است که بعد از آن تاریخ جعل شده باشد. علاوه بر این، همه روایات این احادیث که از طریق اهل سنت نقل شده‌اند، مورد وثوق آنها هستند.^(۱)

به‌طور کلی بر حجیت آیات و روایاتی که مطرح شد نتیجه‌ای عملی مترتب می‌شود و این همان چیزی است که همه مسلمانان را به آن دعوت می‌کنیم؛ بدون اینکه هیچ‌یک از مذاهب اسلامی، ویژگیهای خود را از دست بدهند.

۱- الاصول العامة للفقهاء المقارن، سید محمد تقی حکیم، صص ۱۷۸ و ۱۷۹.

فصل دوم:

**منابع علم
اهل بيت پیامبر (عليهم السلام)**

مقدمه:

آیات و روایاتی که در فصل اول مورد بررسی قرار گرفت به حد کافی بر طهارت اهل بیت (علیهم السلام) و مرجعیت علمی آنان دلالت می‌کند. علامه سید محمد تقی حکیم می‌گوید: «هماهنگی کاملی بین واقعیت تاریخی زندگی ائمه و مفاد این ادله وجود دارد. هر دو گویای عصمت و اعلیت آنها هستند.

مخصوصاً در مورد امامانی که نمی‌توان بر اساس معیارها و شرایط طبیعی درباره آنان قضاوت کرد؛ مانند امام جواد، امام هادی و امام عسکری (علیهم السلام). این امر بهترین مؤید ماست که سنت شامل (گفتار، رفتار و تقریرات) آنها نیز می‌شود. و در اینجا می‌توان به دلیل عقلی‌ای که خلیل ابن احمد فراهیدی درباره امامت آورده نیز استدلال کرد. او می‌گوید:

بی‌نیازی او (علی علیه السلام) از همگان و نیاز همگان به او دلیل امامت اوست.

این استدلال را در مورد تمامی امامان می‌توان به کار برد. زیرا تاریخ هرگز نشان نداده که هیچ‌یک از امامان برای شناخت مطلبی به کسی نیازمند شده باشند یا نزد کسی غیر از معصوم قبل از خود درس خوانده باشند»^(۱).

۱- الاصول العامة للفقہ المقارن، سید محمد تقی حکیم، ص ۱۷۹.

این سخن ما را به موضوعی بسیار با اهمیت راهنمایی می‌کند که به منابع علمی اهل بیت مربوط می‌شود. منابع تاریخی اشاره‌ای ندارند که آنها نزد کسی درس خوانده باشند. پس سرچشمه علم آنها کجاست؟
با مطالعه و بررسی روایات صحیح می‌توانیم منابع و مصادر علم ائمه اهل بیت را در چهار مورد زیر منحصر سازیم:

۱ - قرآن کریم

شماری از روایات بر این نکته تأکید می‌ورزد که تنها اهل بیت پیامبر حقایق قرآن، وجوه معانی و اهداف آن را آن‌گونه که باید، می‌فهمند؛ از جمله فرمایش پیامبر اکرم که می‌فرماید: مراد از «من عنده علم الكتاب»، علی ابن ابی طالب است.^(۱) و نیز فرموده خود علی ابن ابی طالب که: «انا هو الذي عنده علم الكتاب».^(۲) من همان کسی هستم که علم کتاب نزد اوست.
و نیز فرمایش امام حسین بن علی(علیهما السلام) که: «نحن الذين عندنا علم الكتاب وبيان ما فيه».^(۳) ما کسانی هستیم که دانش کتاب و بیان آنچه در آن است، نزد ما است.

و نیز حدیث پیامبر اکرم: «علي يعلم الناس من بعدي تأويل القرآن وما لا يعلمون».^(۴) علی بعد از من تأویل قرآن و آنچه را مردم نمی‌دانند به آنها می‌آموزد.
و نیز گفتار دیگر علی(ع) که با تأکید می‌فرمود: «سلوني عن كتاب الله، فانه

۱- شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰، حدیث ۴۲۲.

۲- روایت از سلمان فارسی است. بصائر الدرجات، ابو جعفر صفار قمی، ص ۲۱۶، حدیث ۲۱.

۳- روایت از اصیغ ابن نباته است. المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴۰ ص ۵۲.

۴- روایت از انس ابن مالک است. شواهد التنزیل، ج ۱ ص ۳۹ حدیث ۲۸.

لیس من آية الا وقد عرفت بليل نزلت ام بنهار، في سهل ام جبل»^(۱)
 از من درباره کتاب خدا پرسید. هیچ آیه‌ای نیست که من ندانم در شب نازل
 شده یا در روز، در دشت نازل شده یا در کوه.

و نیز از عبدالله ابن مسعود نقل شده است که:

«ان القرآن انزل على سبعة احرف ما منها حرف الا له ظهر وبطن، وان علي ابن ابي
 طالب عنده علم الظاهر والباطن»^(۲)

قرآن بر هفت حرف نازل شده است و هیچ حرفی نیست مگر آنکه ظاهری
 دارد و باطنی و علی ابن ابی طالب هم دانش ظاهر را دارد و هم دانش باطن.
 امام علی (ع) از مسلمانان می‌خواهد که علی رغم سختی کار، قرآن را استنطاق
 کنند. او می‌فرماید:

«ذلك القرآن فاستنطقوه، ولن ينطق. ولكن ابركم. الا ان فيه علم ما يأتي»^(۳)

آن قرآن است؛ از او بنخواهید تا سخن گوید و هرگز سخن نگوید. اما من شما
 را از آن خبر می‌دهم. بدانید که در قرآن علم آینده است.
 این روایات همگی فهم - فهمیدن کامل - قرآن را مخصوص اهل بیت
 می‌دانند و قرآن را منبع اول علم آنها معرفی کرده، و اهل بیت را مرجع مسلمانان
 در گویا کردن قرآن می‌دانند.

۱- الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۲۳۸ و تاریخ الخلفاء، عبدالرحمن سیوطی، ص ۲۱۸ و تاریخ

دمشق، ابن عساکر، ج ۳، ص ۲۱، حدیث ۱۰۳۹ و...

۲- حلیة الاولیاء وطبقات الاصفیاء، ابو نعیم اصفهانی، ج ۱، ص ۶۵ و ینایع المودة، ج ۱، ص
 ۲۱۵، حدیث ۲۴.

۳- نهج البلاغه، خطبة ۱۵۸.

۲- پیامبر اکرم(ص)

رسول خدا دومین سرچشمه و منبع علم اهل بیت است و شاید مشهورترین حدیثی که در این زمینه به آن استدلال می‌شود، این سخن پیامبر باشد که: «أنا مدينة العلم وعلي بابها. فمن أراد المدينة والحكمة فليأت الباب»^(۱). من شهر علم هستم و علی دروازه این شهر. پس هر کس طالب شهر حکمت است، باید از در وارد شود.

و در روایت دیگری می‌فرماید:

«أنا دار العلم وعلي بابها»^(۲) «أنا دار الحكمة وعلي بابها»^(۳).

«من خانه علمم و علی در آن» یا «من خانه حکمت هستم و علی در آن خانه». حاکم از بریده اسلمی نقل می‌کند که پیامبر اکرم به علی ابن ابی طالب فرمود: «ان الله تعالى امرني ان ادینک و لا اقصیک وان اعلمک وان تعی، وحق علی الله ان تعی، فذل قوله تعالی: ﴿وتعیهما اذن داعیه﴾»^(۴).

خداوند به من دستور داده که به تو نزدیک شوم و از تو دور نشوم و تو را علم آموزم و تو فراگیری و حق خداست که تو یادگیری و بفهمی. در این هنگام

- ۱- این روایات را مجاهد از عبدالله ابن عباس نقل کرده و حاکم گفته که حدیث صحیح السنندی است. مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۶ و ۱۲۷ / خطیب نیز در تاریخ بغداد از ۴ طریق نقل کرده است. تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۳۴۸، حدیث ۷ و ص ۱۷۲، ج ۱۱، ص ۴۸ و ۴۹ / ابن اثیر نیز در اسد الغابة ج ۴، ص ۲۲ / ومتقی هندی در کنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۲ به نقل این روایات پرداخته‌اند / در مصادر دیگری هم که فیروزآبادی در کتابش «فضائل الخمسة من الصحاح الستة»، ج ۲، ص ۲۸۱ و ۲۸۲ برخی از آنها را شمرده، آمده است.
- ۲- همچنان که در «الریاض النضرة» محب طبری، ج ۲، ص ۱۹۳ و غیر آن آمده است.
- ۳- صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۲۹۹ / و تاریخ بغداد یا مدینة السلام خطیب بغدادی، ج ۱۱، ص ۲۰۴ / وکنز العمال متقی هندی، ج ۶، ص ۴۰۱.
- ۴- سورة الحاقه، آیه ۱۲.

آیه نازل شد که: فقط گوشهای شنوا آن را می فهمد.^(۱)
 و هرگاه از امام علی (ع) در باره سرچشمه علوم او - که همه را حیران می کرد
 - سؤال می شد، می فرمود:

«وما سوی ذلك فعلم علمه الله نبیه فعلمتیه، ودعا لی بأن یعیه صدري وتضطم علیه
 جوانحی»^(۲).

و غیر از این، علم دیگری هم هست که خداوند به پیامبرش آموخت. و او به
 من آموخت و دعا کرد که سینه ام آن را فراگیرد و دلم آن را در خود پذیرد.
 برخی روایات می گویند: رسول خدا دانش خود را برای امام علی (ع) به ارث
 گذاشت و او برای فرزندانش حسن و حسین (علیهما السلام) سپس هر امامی به
 امام بعد از خود داد. و هنگامی که امام علی (ع) از پیامبر خدا پرسید: «ما ارث
 منك یا رسول الله؟» من از تو چه چیزی را به ارث می برم؟ پیامبر اکرم (ص)
 فرموده: «ما ورث الانبیاء من قبل: کتاب رهم وسنة نبیهم».^(۳) آنچه را که پیامبران
 پیشین به ارث به جای گذاشتند: کتاب خدایشان و سنت پیامبرشان.

در حدیثی از امام صادق (ع) است که فرمود: «ان الله علم رسوله الحلال والحرام
 والتأویل وعلم رسول الله علمه کلّه علیاً».^(۴)

همانا خداوند به پیامبرش حلال و حرام و تأویل آیات قرآن را آموخت و
 رسول خدا همه علمش را به علی یاد داد.
 امام باقر (ع) تأکید می کند که علم آنها بیانگر نظر شخصی آنها نیست، بلکه
 میراثی است که از رسول خدا به آنها رسیده است.

۱- کفایة الطالب، کنجی، ص ۴.

۲- نهج البلاغة، خطبه ۱۲۸.

۳- کنز العمال، ج ۵، ص ۴۱.

۴- المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۶۶/ و عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۴۳ حدیث ۱۰.

«لو کتبا نفی الناس برأینا وهوانا لکنا من الهالکین، ولکنا نفیهم بآثار من رسول الله(ص) و اصول علم عندنا نتوارثها کابر عن کابر، نکزها کما یکنز هؤلاء ذهبهم وفضتهم»^(۱)

اگر به رأی و هوس خود فتوا می‌دادیم هر آینه از هلاک شدگان بودیم. ما به آثار پیامبر و برپایه علمی که نزد ماست و هر یک از دیگری به ارث می‌بریم برای مردم فتوا می‌دهیم. ما این علوم را ذخیره می‌کنیم؛ همان‌طور که مردم طلا و نقره خود را ذخیره می‌کنند.

۳- امام پیشین

امام علمش را فقط از امام پیشین خود می‌گیرد. و فقط نزد او درس می‌خواند. و این علم، میراثی است منحصر و مخصوص به خود آنها. در عین حال، به برخی از شاگردان هم به مقدار استعداد و ظرفیت آنها می‌آموزند. و در این زمینه، روایات بسیاری در دست است.^(۲)

۴- آگاهی و تجربیات شخصی

بدون تردید، هر یک از ائمه اهل بیت در زندگی خود دارای تجربه‌هایی شخصی بودند که به آنها تواناییهای علمی خاص می‌بخشید. این تجربه‌ها بستگی به نقش هر یک از آنان در بنای حیات انسانی داشت؛ نقشی که در مجموع زندگی ائمه، هر یک کامل‌کننده دیگری بود و تحت یک اراده، هدفی واحد را

۱- بصائر الدرجات، ص ۳۰ حدیث ۴/ والاختصاص، شیخ مفید، ص ۲۸۰/ حدیثی نیز از امام صادق به همین مضمون در دست است که ابو داود ابن یزید در بصائر الدرجات، ص ۲۹۹ به نقل آن پرداخته است.

۲- اکثر این نصوص در موسوعه‌های حدیثی شیعه مثل «کافی» کلینی و «تهذیب» و «استبصار» طوسی و «بحار الانوار» مجلسی و جز اینها آمده است و این موضوع یکی از پایه‌های مهم مذهب اهل بیت است.

دنبال می‌کرد. هر چند که در هر دوره‌ای به وسایل و عناصر خاص خویش متکی بود.^(۱)

مثلاً امام علی (ع) عمل سیاسی و فنون جنگیدن را با آگاهی و دقت تمام تجربه کرد و سنتهای الهی و قوانین اجتماعی را عمیقاً دریافت کرده بر حرکت طبیعت و علوم آن وقوف کامل یافت. به‌ویژه که او از زمان کودکی تا زمان شهادتش وارد این میدانها شده بود.

به عبارت دیگر، او بیش از پنجاه سال در میدانهای سیاست، جنگ، حرکتهای اجتماعی و دانش منحصر به فرد علمی تجربه آموخت و این تجربه را ائمه دیگر از او به ارث بردند.

توجه به این جنبه از تجربه‌های پر اهمیت انسانی برای درک طبیعت بشری اهل بیت بسیار ضروری است، تا بدانیم آنها بندگان خدا بودند و لیکن خداوند نعمتهای ویژه‌ای به آنها بخشیده بود که دیگران از آن محروم بودند.

حقیقت آن است که پدیده غلو در مورد اهل بیت، از فهم غیر حقیقی شخصیت و علوم آنها ریشه می‌گیرد. این درک ناقص از آنها، برخی مسلمانان را چنان حیران و مبهوت می‌ساخت که در مورد آنان غلو می‌کردند. آنان علومی محیر العقول و کرامات و تواناییهایی در امامان می‌دیدند که خارج از توان بشر عادی بود. لذا امام علی (ع) در برخی سخنان خویش، بر حقیقت انسانی و بشری اهل بیت و اینکه آنان مستقیماً علم غیب نمی‌دانند بلکه همه دانش آنها فضل و موهبت خداوند و وراثت از پیامبر اکرم (ص) است، تأکید می‌کند.

او می‌فرماید: «علم الغیب الذی لا یعلمه احد الا الله وما سوی ذلك فعلم الله نبيه فعلمنیه».^(۲)

علم غیب را جز خدا کسی نمی‌داند و غیر از این همه علومی است که خداوند به

۱- نگا: سید محمد باقر صدر، «ائمه اهل البيت وحدة هدف وتنوع ادوار».

۲- نهج البلاغة، خطبة ۱۲۸.

پیامبرش آموخته و او به من یاد داده است.
 او اهل غلو را لعنت می‌کرد. سایر ائمه هم چنین می‌کردند. بهترین دلیل بر
 این مطلب فرمایش امام صادق است:
 «فوالله ما نحن الا عبید الذی خلقنا واصطفانا، ما نقدر علی ضر ولا نفع، وان رحمتنا (الله)
 فبرحمته، وان عذبتنا فبذنوبنا، والله مالنا علی الله من حجة ولا معنا من الله براءة، وانا لمیتون
 ومقبورون، ومنشرون ومبعوثون، وموقوفون ومسؤولون»^(۱)
 سوگند به خدا، ما جز بندگانی نیستیم که او ما را خلق کرده و برگزیده است.
 ما به هیچ سود و زیانی توانایی نداریم. اگر به ما رحم کند از رحمت و مهربانی
 اوست. و اگر عذابمان کند به خاطر گناهانمان است. به خدا سوگند ما هیچ
 حجتی بر خدا نداریم. او به ما تضمینی نداده است. ما هم می‌میریم و در قبرها
 دفن می‌شویم، روزی مبعوث می‌شویم و در برابر خداوند می‌ایستیم و به سؤالها
 جواب می‌دهیم.
 البته باید توجه داشت که ما هیچ دلیلی نیافتیم که مانع از آن باشد که خداوند
 بر ائمه منت بگذارد و در موارد مختلف، راه صواب را بر آنها الهام فرماید.

۱- عبدالرحمن بن کثیر روایت کرده است. رجال الکشی، ص ۴۹۱.

فصل سوم:

**جایگاه علمی اهل بیت
در میان امت اسلامی**

مقدمه:

مسلمانان با همه اختلافات علمی و وجود جریانها و مکتبهای فقهی و کلامی گوناگون در میان آنها، پیوسته نظری ویژه به اهل بیت پیامبر (صلوات الله علیهم اجمعین) داشته‌اند و آنها را برتر از سایر صحابه، تابعان و فقهای می‌دانسته‌اند. کتابهای حدیث، فقه و تاریخ بر این امر گواهی می‌دهد. و اگر سیاستهای ظالمانه و فریبکارانه حکام در عهد اموی و عباسی نبود، این جایگاه بلند همچنان ریشه‌دار و استوار در دل و اندیشه امت اسلام باقی می‌ماند.

حکومت‌های منحرف اموی و عباسی تلاش بسیاری برای وارونه جلوه دادن حقایق و قلب واقعیتها از خودنشان دادند تا نگاهها را از اهل بیت (علیهم السلام) و مرجعیتشان به سوی دیگران متوجه سازند.

و ما جهت پرهیز از اطالۀ کلام، تنها به ارائه اندکی از شهادتهای بزرگان صحابه و تابعان و فقهای در حق اهل بیت می‌پردازیم. این شهادتها نشان می‌دهد که نصوص وارد شده در کتاب و سنت، و نیز دیدگاههای بی‌طرفانه مسلمانان درباره اهل بیت، با واقعیتهای تاریخی زندگی آنان کاملاً همخوانی و انطباق دارد.

جایگاه علمی امام علی (ع) در عصر خلفا

۱- در زمان خلافت ابو بکر

از عصر درخشان زندگی پیامبر اکرم (ص) که بگذریم، در عصر خلفا می بینیم ابوبکر با همه شرایط پیچیده‌ای که بر جامعه اسلامی آن روز حاکم بود، در بسیاری از مشکلات و مسائل سیاسی و احکام شرعی، از جمله در قتال با اهل رده به امام علی ابن ابی طالب (علیه السلام) مراجعه کرد.^(۱)

۲- در زمان خلافت عمر

خلیفه دوم، عمر ابن الخطاب هم پیوسته در مسائل کلامی، فقهی، اجتماعی و سیاسی به او مراجعه می کرد و بیش از همه این حقیقت را بازگو می کرد.^(۲) سخنان عمر ابن الخطاب درباره علی ابن ابی طالب (ع) نشان می دهد که او بیش از سایر مسلمانان، شیفته شخصیت، دانش، ایمان، و جایگاه ویژه امام بود. از جمله سخنان خلیفه دوم درباره علی ابن ابی طالب (ع) می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ - «اعوذ بالله ان اعیش فی قوم لست فیهم یا ابا الحسن».^(۳)

ای ابو الحسن! من پناه می برم به خدا از اینکه در میان قومی باشم که تو در آنجا حضور نداشته باشی.

۲ - لو لا علی هلك عمر.^(۴)

۱- الریاض النضرة، محب طبری، ج ۲ صص ۱۹۵ و ۲۲۴/ کنز العمال، ج ۳، صص ۹۹ و ۳۰۱.
 ۲- اکثر کتابهای حدیث و تاریخ، مخصوصاً صحاح و سنن و مسانید بر این موضوع اشاره دارند. تفصیل مطلب موجب اطالة کلام است.
 ۳- مستدرک الصحیحین، ج ۱ ص ۴۵۷.
 ۴- السنن، بیهقی، ج ۷ ص ۲۴۲، این موضوع را بسیاری از کتابهای حدیث و تاریخ روایت

اگر علی نبود عمر هلاک شده بود.

۳- انت (یا علی) خیرهم فتوی.^(۱)

ای علی تو در میان مسلمانان بهترین فتوا دهنده هستی.

۴ - اللهم لا تنزل بی شدة الا و ابو الحسن الی جنبی.^(۲)

خدایا تا علی در کنار من نیست، هیچ کار سختی را بر من نازل نفرما.

۵ - ابا الحسن، لا ابقانی الله لشدة لست لها ولا فی بلد لست فیه.^(۳)

یا علی، خداوند مرا در سختی ای که تو در کنارم نباشی و در شهری که تو

حضور نداشته باشی، زنده نگه ندارد.

۶ - یا ابن ابی طالب فمازلت کاشف کل شبهة و موضع کل حکم.^(۴)

ای پسر ابوطالب، تو همیشه برطرف کننده شبهه‌ها و بیان کننده احکام هستی.

۷ - اعوذ بالله من معضله لیس لها ابو الحسن.^(۵)

پناه می‌برم به خدا از پیش آمدن مشکلی که ابوالحسن - علی (ع) - برای حل

آن نباشد.

۸ - لا ابقانی الله بعدک یا علی!^(۶)

ای علی، خداوند بعد از تو مرا زنده نگذارد.

همه این اظهارات به خاطر نقشی بود که علی (ع) در گره‌گشایی مشکلات

عقیدتی و فقهی ای که برای عمر و برای مسلمانان و حتی غیرمسلمان پیش

کرده‌اند.

۱- الطبقات، ابن سعد، ج ۲، ق ۲، ص ۱۰۲.

۲- کنز العمال، ج ۳، ص ۱۷۹.

۳- همان، ج ۳، ص ۱۷۹.

۴- همان، ج ۳، ص ۱۷۹.

۵- نورالابصار، شلبنجی، ص ۱۷۱.

۶- الرياض النضرة، ج ۲، ص ۱۹۷.

می‌آمد، از خود نشان می‌داد.

یکی از حوادثی که در این مجال شایسته توجه است، موضوع تعیین مبدأ تاریخ برای مسلمانان است. هنگامی که عمر ابن الخطاب تصمیم به تعیین مبدأ برای تاریخ مسلمانان گرفت با علی ابن ابی طالب(ع) مشورت کرد و آن حضرت پیشنهاد فرمود که مبدأ تاریخ، زمان هجرت پیامبر اکرم(ص) از مکه به مدینه باشد. عمر هم پذیرفت و به پیشنهاد او جامه عمل پوشاند.^(۱)

یکی دیگر از موارد، زمانی بود که عمر برای فتح ایران، تصمیم به اعزام سپاهی به آنجا گرفت؛ و نیز هنگام اعزام سپاه به روم. در فصل بعدی به این مطلب اشاره خواهیم کرد.

۳- در زمان خلافت عثمان ابن عفان

عثمان ابن عفان هم در بسیاری از مسائل و مشکلات عقیدتی و فقهی به علی ابن ابی طالب مراجعه می‌کرد؛ به طوری که کتابهای حدیث، فقه و تاریخ به موارد آن تصریح دارد.^(۲)

۴- اعتراف عایشه به دانش علی(ع)

عایشه هم پاسخ بسیاری از احکام شرعی را که از او پرسیده می‌شد به امام علی(ع) ارجاع می‌داد. و می‌گفت:

علیک بابن ابی طالب لتسأله.^(۳)

این سؤال را باید از فرزند ابوطالب پرسید.

۱- بخاری در تاریخش و حاکم در مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴ آورده است.
 ۲- الموطا، مالک ابن انس، ص ۳۶ و ۱۷۶/ والسنن، بیهقی، ج ۷ ص ۴۱۹/ مسند، شافعی، ص ۱۷۱ و مسند، احمد ابن حنبل، ج ۱، ص ۱۰۰ و ۱۰۴/ تفسیر ابن جریر، ج ۲۷، ص ۶۱ و ...
 ۳- صحیح النسائی، ج ۱، ص ۹۶، ۱۰۰، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۳۳، ۱۴۶، ۱۴۹، ۲۱۰.

و یا می گفت:

إئت علیا فانه اعلم بذلك مني.^(۱)

نزد علی برو. او در این موضوع از من داناتر است.

۵ - علی ابن ابی طالب و سعد ابن ابی وقاص

حاکم به سند خویش از قیس ابن ابی حازم نقل می کند که سعد ابن ابی وقاص - صحابی پیامبر - به فردی که به امام علی (ع) تعرض نموده بود، عتاب کرد و گفت:

الم یکن اول من اسلم؟ الم یکن اول من صلی مع رسول الله (صلی الله علیه و آله)؟ الم یکن اعلم الناس؟!^(۲)

آیا علی اولین کسی نیست که اسلام آورده است؟ آیا اولین کسی نیست که با پیامبر نماز خوانده است؟ آیا او داناترین مردم نیست؟!

تاریخ همچنین گواهی می دهد که لقب «امام» مشهورترین لقب علی ابن ابی طالب (ع) بوده است،

اما درباره امام حسن مجتبی (ع) ، امام حسین (ع) ، امام زین العابدین، علی ابن الحسین (ع) و سایر ائمه هم گواهیهای بسیار وجود دارد که مرجع علمی امت بوده اند.

۱- مصادر و ماخذ سابق الذکر.

۲- حاکم در مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۴۹۹، به سندش از قیس ابن ابی حازم روایت کرده است.

جایگاه علمی اهل بیت پیامبر از دیدگاه شاعران بزرگ

شاید مناسب‌ترین شاهد، ابیاتی از قصیده میمیه فرزدق در مدح اهل بیت به خصوص مدح امام علی ابن‌الحسین، زین‌العابدین(ع) است که آن را نقل می‌نماییم.

۱ - قصیده فرزدق:

من معشر حبه‌م دین و بغضهم
 کفر و قربهم منجی و معتصم
 مقدم بعد ذکر الله ذکر هم
 فی کل بدء و مختوم به الکل
 ان عد اهل التقی كانوا ائمتهم
 او قیل: من خیر اهل الارض؟ قیل: «هم»^(۱)

آنان که دوستی‌شان دین است و کینه آنها کفر،
 نزدیک شدن به آنها نجات‌دهنده و دستگیرنده است.
 بعد از یاد خدا، نام آنها مقدم است،
 در ابتدای هر کار و پایان هر سخن.
 هرگاه سخن از اهل تقوا باشد، آنان پیشوایان اهل تقوایند.
 و یا سؤال از بهترین اهل زمین به میان آید، جواب آید که «آنهايند».

۲ - قصیده ابو نؤاس:

۱- وفیات الاعیان، ابن خلکان، ج ۶، ص ۹۶.

همچنین «رائیه» ابو نؤاس که در ثنای اهل بیت می گوید:
 مطهرون نقیات ثیابهم
 تجری الصلاة علیهم اینما ذکرُوا
 فالله لَمَّا بَرَا خَلْقًا فَاتَقَنَهُ
 صفاکم واصطفاکم ایها البشر
 فَأَتَمَّ الْمَلَأُ الْأَعْلَى وَ عِنْدَكُمْ
 عِلْمَ الْكِتَابِ وَ مَا جَاءَتْ بِهِ السُّورُ^(۱)

پاکانی که جامه پاک دارند
 هرگاه نامشان به میان آید درود بر آنان فرستاده شود.
 هنگامی که خداوند، جهان را آفرید و استوار ساخت
 شما را انتخاب کرد و برگزید ای (برترین) انسانها
 شما «ملاً اعلی» هستید و نزد شماست
 علم کتاب و علم آن چه در سوره های قرآن است.

۳ - قصیده ابوفراس حمدانی:

میمیه ابو فراس حمدانی نیز از قصایدی است که زیباترین عبارتها را درباره
 جایگاه اهل بیت در بر دارد. و ما در اینجا ابیاتی را که به بُعد علمی آنان مربوط
 می شود نقل می کنیم:

الدین مخترم والحق مهتضم
 وفیء آل رسول الله مقتسم
 خلوا الفخار لعلامین ان سئلوا
 ویوم السؤال وعمالین ان عملوا

۱- عیون اخبار الرضا، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۱۴۳/ والمناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۶۶.

لا یغضبون لغير الله ان غضبوا

ولا یضیعون حق الله ان حکموا

تنشأ التلاوة من آياتهم ابدأ

وفي بيوتكم الأوتار والنغم

الركن والبيت والاستار منزلهم

وزمزم والصفاء والحجر والحرم^(۱)

دین از دست رفته و حق تاراج شده است

و حق خاندان پیامبر تقسیم شده است

همه افتخارها را برای کسانی بگذارید که دانا هستند

در روز سؤال، و عامل هستند در وقت عمل

جز برای خداوند به خشم نمی آیند؛ اگر به خشم آیند.

و در هنگام داوری، حق خداوند را پایمال نمی کنند

همیشه از خانه های آنها بانگ تلاوت قرآن بلند است

و از خانه های شما صدای تارها و آواها^(۲)

«رکن»، «خانه» و «پرده ها» کعبه منزل آنهاست

و نیز «زمزم»، «صفاء»، «حجر» و «حرم»

این تعبیرات در حقیقت از جهت گیری افکار عمومی نسبت به جایگاه ویژه

اهل بیت نبوت پرده بر می دارد. باید توجه داشت که این نگرش تنها به شاعران و

توده مردم اختصاص نداشته است؛ بلکه فقهای بزرگ و ائمه مذاهب اسلامی هم

همین دیدگاه را نسبت به ائمه اهل بیت داشته اند. گواه این گفته، شعر محمد ابن

ادریس شافعی درباره اهل بیت پیامبر است:

۱- دیوان ابو فراس حمدانی، تحقیق دکتر محمدبن شریفه، ص ۱۹۶ و ۲۰۶.

۲- منظور شاعر، عباسیان هستند.

۴ - شعر امام شافعی:

آل النبى ذریعتى

وهم اليه وسيلتى

ارجو بهم اعطى غدا

بیدی الیمین صحیفتی^(۱)

خاندان پیامبر دستگیر من هستند

آنان وسیله (تقرب) من به خدا هستند.

امید دارم به خاطر آنها، فردای قیامت

نامه عملم را به دست راستم بدهند.

۱- الصواعق المحرقة، ابن حجر، ص ۱۰۸ / ونور الابصار، ص ۱۰۵.

جایگاه ائمه اهل بیت نزد پیشوایان مذاهب

بسیاری از ائمه مذاهب اسلامی و فقهای بزرگ نزد ائمه اهل بیت، به ویژه نزد امام جعفر صادق(ع) درس خوانده و شاگردی کرده بودند. حافظ ابن عقده نامهای چهار هزار نفر از فقها و محدثانی را که از امام صادق(ع) روایت کرده یا نزد او درس خوانده‌اند ذکر کرده است.^(۱) و نیز او کتابها و مصنفات بسیاری از اینها را برشمرده است. از جمله اینان‌اند:

مالک ابن انس اصبحی، ابو حنیفه نعمان ابن ثابت،^(۲) یحیی ابن سعید، ابن جریج، سفیان ثوری، شعبه ابن الحجاج، عبدالله ابن عمرو، روح ابن قاسم، سفیان ابن عیینه، اسماعیل ابن جعفر، و ابراهیم ابن طحان.^(۳)

شاید این سخن ابو حنیفه «لو لا السستان لهلك النعمان»^(۴) اگر آن دوسال نبود نعمان هلاک می‌شد، اشاره به دوسال شاگردی او نزد امام صادق باشد، و نشان دهد که تا چه اندازه ائمه اهل بیت(ع) بر فضای علمی امت اسلامی در زمان خود تأثیر داشته‌اند.

سخن مالک ابن انس هم شاهد دیگری بر این مطلب است:

«ما رأی عین ولا سمعت اذن و لا خطر علی قلب بشر افضل من جعفر ابن

۱- الرجال، ابن عقده زیدی به نقل از اعیان‌الشیعه، سیدمحسن امین، ج ۱ ص ۶۶۱.

۲- بیشتر کتابهای طبقات و اعلام و تاریخ مثل مطالب السؤل ابن طلحه شافعی، ص ۲۱۸ و الصواعق المحرقة، ص ۳۰، این مطلب را ذکر کرده‌اند.

۳- حلیة الاولیاء، ابو نعیم، به نقل از المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۴۷.

۴- نخفة الالوسی، ص ۸ و مصادر تاریخی دیگر / و قصة التقرب محمدتقی قمی.

محمد الصادق علماً و عبادةً و ورعاً.^(۱)

هیچ دیده‌ای ندیده است و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب هیچ انسانی خطور نکرده است، کسی که در علم و عبادت و ورع بالاتر از جعفر ابن محمد الصادق(ع) باشد.

سخن ابوزهره:

شیخ محمد ابوزهره - استاد دانشگاه الأزهر - این واقعت را این گونه توضیح می‌دهد:

كان ابو حنیفة یروی عن الامام الصادق، ویراه اعلم الناس باختلاف الناس، ووسع الفقهاء احاطة، وكان مالك یختلف الیه دارسا راویا، و من كان له فضل الأستاذیة علی ابی حنیفة و مالك فحسبه ذلك فضلا، ولا یمكن ان یؤخر عن نقص ولا یقدم علیه غیره عن فضل. وهو فوق هذا حفید علی زین العابدین (علیه السلام) الذي كان سید اهل المدينة فی عمره فضلا و شرفا و دینا و علما، وقد تتلمذ له ابن شهاب الزهري و كثیرون من التابعین، و هو ابن محمد الباقر الذي بقرا العلم و وصل الی لبابه فهو ممن جمع الله تعالی له الشرف الذاتي و الشرف الاضافی بكریم النسب و القرابة الهاشمية و العترة المحمدية.^(۲)

ابو حنیفه از امام صادق روایت می‌کرد، و او را داناترین کس به اختلافات علمی مردم (دانشمند) و دانشمندترین فقیهان می‌دانست.

مالک نیز، هم در مقام راوی و هم شاگرد، نزد او رفت و آمد داشت. و کسی که فضل استادی بر ابوحنیفه و مالک داشته باشد، مرتبت او تمام است و ممکن نیست که از دیگران عقب بماند و یا کسی در فضیلت بر او پیشی گیرد.

۱- تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۰۴.

۲- الامام جعفر الصادق، محمد ابوزهره، ص ۳.

از همه بالاتر، او نوه علی ابن الحسین(ع) زین العابدین است. کسی که سید اهل مدینه در فضیلت و شرف و دین و دانش در زمان خود بود و ابن شهاب زهری و بسیاری از تابعان، شاگرد او بودند.

او پسر محمدباقر است که دل دانش را شکافت و به مغز آن رسید. او کسی است که خداوند شرف ذاتی و نسبی را در او جمع کرده بود. هم از بنی هاشم و هم از عترت پیامبر(صلي الله عليه وآله وسلم).

فصل چهارم:

جلوهای عینی علوم اهل بیت (ع)

۱- مناظره علمی با دانشمندان

زندگی ائمه اهل بیت سرشار از گفت و گوهای علمی است. آنان مردان توانای این میدان بودند و آداب و روشهایی را که قرآن مجید برای گفت و گو و مناظره علمی - در شکل و محتوا- تبیین کرده است، تجسم بخشیدند. مجالس ائمه یا مجالسی که آنها در آن حضور می یافتند، میدان مناظره و استدلال بود. البته انگیزه آن بزرگان، متناسب با موقعیتهای و مجالس، گوناگون بود. برخی از این مناظرات را حکام و دشمنان برای آزار و اذیت آنها ترتیب می دادند. برخی دیگر در فضایی علمی و تنها به هدف رسیدن به حقیقت بوده است. برخی دیگر نیز زمانی برگزار می شد که دیگران - حکام یا راویان و یا فقها - از پاسخگویی به مخالفان اسلام ناتوان می شدند و دست طلب به دامن ائمه می زدند. شماری از مؤلفان، این مناظرات را در کتابهایی ویژه و به نقل از مصادر اصلی جمع آوری کرده اند.^(۱)

نکته مهم در همه این گفت و گوهای علمی، و به عبارتی دقیق تر نکته ای که برای ما بسیار مفید و حائز اهمیت است، اینکه ائمه بزرگوار، در هیچ یک از این مناظرات شکست نخوردند، یا در تنگنا قرار نگرفتند؛ حتی لحظه ای در حقانیت خویش دچار تردید نشدند و با اینکه برخی از آنان - مثل امام جواد(ع) - در سن نوجوانی بودند و حدود نه سال بیشتر نداشتند، در مناظره های علمی و سطح

۱- از جمله کتاب «الاحتجاج» از طبرسی.

عالی بر رقبای خویش پیروز شدند. سطح بسیار بالای این مناظرات دلیل استواری بر مرجعیت علمی بلامنازع ائمه اهل بیت است.

مناظرات امام علی(ع)

اولین کسی که وارد میدان مناظره با مخالفان شد، امام علی ابن ابی طالب(ع) بود که گفت و گو با پیروان ادیان، مخصوصاً یهود، نصاری، زرتشتیان و دیگران جزئی از زندگی او شده بود.^(۱) به علاوه، او گفت و گوهایی هم با غلات داشت تا آنها را به توبه وادار کند؛ و نیز با کسانی که با سرباز زدن از پذیرش خلافت او از اجماع امت خارج شدند.

علی(ع) مردم را تشویق می کرد تا در کلیه مباحث مربوط به عقاید، احکام، علوم نظری و طبیعی از او سؤال کنند و بسیار می فرمود: «سلوئی قبل أن تفقدونی»^(۲) پیش از آن که مرا از دست بدهید مشکلات علمی خود را از من بپرسید.

فرزندان علی(ع) - حسن و حسین(ع) - نیز با همین روش زندگی کردند.

مناظرات امام حسن(ع)

مناظره امام حسن با مرد شامی که از سوی معاویه همراه با سؤالاتی که کشیشان روم به منظور در تنگنا قرار دادن امام علی(ع) طرح کرده بودند اعزام شده بود، معروف و زبانزد است. امام علی(ع) پاسخ پرسشها را به فرزندش حسن حواله کرد و امام حسن به همه سؤالات دینی، علمی و فلسفی که مرد شامی به

۱- برای نمونه، به کتاب «عرائس التیجان» ثعلبی، ص ۵۶۶ مراجعه شود.

۲- به کتابی با همین عنوان از شیخ محمدرضا حکیمی مراجعه شود.

همراه آورده بود پاسخ مناسب و علمی داد.^(۱)

مناظره امام حسین(ع) با حسن بصری درباره قضا و قدر هم به همین منوال خواندنی و شنیدنی است.^(۲)

مناظرات امام جعفر صادق(ع)

برای اینکه بحث ما طولانی نشود به ذکر نمونه‌هایی از مناظرات امام صادق(ع) بسنده می‌کنیم.

او در شرایط تاریخی خاصی زندگی کرد؛ بنابراین مناظراتی طولانی و بسیار دارد. یکی از آنها با ابوحنیفه نعمان ابن ثابت است که به اجبار منصور انجام شد. او - ابوحنیفه - خود می‌گوید:

«من داناتر از جعفر ابن محمد نیافتم. وقتی منصور او را احضار کرده بود، کسی نزد من فرستاد و گفت: ای ابوحنیفه! مردم شیفته جعفر ابن محمد شده‌اند. سؤالهایی سخت و مشکل برای پرسیدن از او تهیه کن؛ و من چهل پرسش آماده کردم.

سپس زمانی که در «حیره» بود کسی به دنبالم فرستاد؛ نزدش رفتم. جعفر بن محمد سمت راست او نشسته بود. وقتی چشمم به جعفر ابن محمد افتاد آن چنان هیبتش مرا گرفت که از دیدن منصور چنان احساسی پیدا نکردم. سلام کردم. اشاره کرد، نشستم. منصور رو به او کرد و گفت: یا ابا عبدالله! این ابوحنیفه است. فرمود: آری! سپس رو به من کرد و گفت: ای ابوحنیفه! پرسشهایت را مطرح کن! شروع به پرسیدن کردم. او پاسخ می‌داد و می‌فرمود: شما چنین می‌گویید. رأی اهل مدینه چنان است و ما می‌گوئیم...!

۱- الاحتجاج، طبرسی، ص ۲۶۷ و ۲۶۹.

۲- تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبه حرانی، ص ۲۳۱.

گاه با ما هم عقیده بود، گاهی با آنها و گاهی با همه ما مخالفت می کرد. هر
چهل سؤال را پرسیدم. (و او به همه پاسخ گفت).

سپس ابوحنیفه می گوید:

«السنا روينا ان اعلم الناس اعلمهم باختلاف الناس»^(۱)

«آیا ما روایت نکرده ایم که داناترین مردم داناترین آنها به اختلاف آرای
آنهاست؟»

گفت و گوی دیگری از امام صادق در دست است که با یکی از رهبران زندان
درباره علوم مختلف دینی، فلسفی و آرا و عقاید سایر ادیان انجام شده است.
پاسخهای امام صادق سبب شد که زندیق به اسلام ایمان آورده و مسلمان شود.
(۲)

مناظرات امام علی ابن موسی الرضا(ع)

امام علی ابن موسی الرضا(ع) گفت و گویی معروف و طولانی با دانشمندان و
متکلمان مسیحی، یهودی، صابئی و مجوس دارد که بسیاری از مورخان آن را
توثیق کرده اند. فضل ابن سهل وزیر مأمون به امر خلیفه آنان را احضار کرد و از
آنان خواست که در مقابل مأمون با امام مناظره کنند. در نتیجه این مناظره،
بسیاری از این عالمان و متکلمان به دست امام رضا مسلمان شدند.^(۳)
در پایان مناظره، مأمون در موضوعهای مختلف علمی سؤالهایی مطرح کرد.^(۴)

۱- این سخن را «موفق» در مناقب ابوحنیفه، ج ۱، ص ۱۷۳ روایت کرده است.

۲- الاحتجاج، ص ۳۳۱ و ۳۳۵.

۳- همان، ص ۴۱۵ و ۴۲۵.

۴- همان، ص ۳۳۲ و ۴۲۵.

با شنیدن هر یک از پاسخهای امام، بر حیرت و تعجبش افزوده می‌شد؛ تعجبی همراه با ترس و نگرانی از مردی که روی آوردن مردم به او خطری بزرگ برای دولت عباسیان به شمار می‌رفت.

مناظره امام جواد (علیه السلام)

شگفت‌انگیزترین مناظره از آن امام جواد، محمد بن علی التقی(ع) با یحیی ابن اکثم، قاضی القضاة مأمون است؛ در زمانی که بیش از نه سال از عمر شریف آن حضرت نگذشته بود.

در حقیقت، مأمون با نزدیکان خویش بر سر علم و دانش امام شرط‌بندی کرده بود؛ و با این مناظره در نظر داشت او را در سنین کودکی بیازماید.^(۱) زمانی که جلسه در حضور مأمون و جمع زیادی از سران لشکری و کشوری همچینین علما و راویان و بزرگان دولت عباسی تشکیل شد، یحیی ابن اکثم پرسشی کوتاه پیرامون «حکم کسی که در حال احرام حیوانی را صید کرده است» خدمت امام عرضه کرد. امام جواد(ع) در پاسخ او پرسید:

آیا در حرم شکار کرده یا خارج حرم؟

عالم به حکم بوده یا جاهل به آن؟

از روی عمد مرتکب صید شده یا از روی خطا؟

شخص محرم بنده بوده یا آزاد؟

کوچک بوده یا بزرگ؟

اولین بار بوده یا چندمین بار؟

شکار پرنده بوده یا غیر پرنده؟ کوچک بوده یا بزرگ؟

۱- به «الاصول العامة للفقهاء المقارن»، سید محمد تقی حکیم، ص ۱۸۳ مراجعه کنید.

هنوز بر کار خطایش اصرار می‌ورزد یا پشیمان است؟

در شب این کار را انجام داده یا در روز؟

هنگام صید محرم به عمره بوده یا به حج؟

یحیی ابن اکثم با کمال تحیر اظهار ناتوانی و سرگردانی کرد. در این هنگام مأمون از امام جواد(ع) تقاضا کرد، خود پاسخ هر یک از وجوه مسأله را بیان فرماید. امام به گونه‌ای وجوه گوناگون مسأله را یکی پس از دیگری بیان فرمود که تصور یحیی و سایر نزدیکان مأمون از شخصیت او و آنچه در دل خود نسبت به کوچکی سنش می‌پروراندند به کلی از بین رفت.^(۱)

شاید همین یک مناظره و نتایج درخشان آن به تنهایی کافی باشد تا اهمیت شیوه مناظره و تأثیر آن در کشف مرجعیت علمی اهل بیت را صرف نظر از موقعیت زمانی و مکانی و سن آن بزرگواران نشان دهد.

به تعبیر یکی از فقها،^(۲) پیروزی دائمی و مطلق در همه مناظرات و گفتگوهای علمی که بسیاری از آنها فقط برای امتحان کردن ائمه بود، امکان ندارد فقط از روی تصادف باشد. زیرا تصادف گاهی برای پاره‌ای از اشخاص و در برخی زمینه‌ها اتفاق می‌افتد. اما تکرار این پیروزیها در دفعات متعدد و در زمینه‌های مختلف علمی، نسبت به همه امامان، از کوچک و بزرگ قطعاً تصادف نیست؛ به ویژه اگر توجه داشته باشیم که آراء و مرجعیت آنها در همان زمان زبانزد و مشهور بوده است.

۱- نگاه کنید به: الصواعق المحرقة، ص ۲۰۴ / الاحتجاج، ص ۴۴۴.

۲- الاصول العامة للفقهاء المقارن، سید محمد تقی الحکیم، ص ۱۸۴.

۲- میراث علمی اهل بیت پیامبر (علیهم السلام)

اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) آثار علمی گرانسنگ و عظیمی از خود برای امت اسلام بر جای گذاشتند. این میراث گرانبها در گذشته به بار نشسته و در حال و آینده نیز سود فراوان خواهد داشت. زیرا آثار علمی آنان تنها برای زمان خودشان نبوده است؛ بلکه این سرمایه‌ها با گذشت زمان همچنان جاوید خواهد ماند.

میراث عظیم اهل بیت در احادیث، خطبه‌ها، کتابها، درسها، شیوه‌ها و اصول علمی و آموزشهای آنان در عرصه‌های مختلف اندیشه بشری قابل دسته‌بندی است. علاوه بر همه اینها، دانشگاههایی تأسیس و مدرسینی تربیت کردند و با علم و معرفت، آنها را تغذیه فکری نمودند.

ائمه اهل بیت پیش‌تاز امت اسلام در تألیف و تصنیف

در زمینه تألیف و تصنیف، امام علی(ع) آغازگر راه در تاریخ اسلام است. اولین کارهای آن حضرت جمع و ترتیب قرآن بر اساس نزول، بیان اسباب نزول، عام و خاص، مطلق و مقید، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، واجب و مستحب و سنن و آداب قرآن است. تا آنجا که ابن سیرین می‌گوید: «اگر به آن کتاب دستیابی، همه علم را در آن می‌یابی».^(۱) و ابو نعیم از امام علی(ع) نقل می‌کند:

لما قبض رسول الله(ص) اقسمت ان لا اضع ردائي عن ظهري حتى اجمع ما بين اللوحين، فما وضعت ردائي عن ظهري حتى جمعت القرآن».^(۲)

وقتی پیامبر اکرم از دنیا رفت سوگند خوردم که تا قرآن را جمع‌آوری نکنم، قبایم را بر زمین نگذارم. پس آن را از پشتم به زمین گذاشتم تا زمانی که قرآن

۱- المراجعات، سید عبدالحسین شرف الدین، مراجعة ۱۱۰.

۲- حلیة الاولیاء، ج ۱ ص ۶۷.

را جمع کردم.

مصنّف دیگر امام علی(ع) کتاب «الصحیفه» است که موضوع آن «دیات» یا اموالی است که به خاطر ارتکاب جنایات خطاء محض یا شبه عمد بر انسان واجب شود و مرتکب آن مستوجب قصاص نباشد.^(۱)

کتاب دیگر امام «جامعه» است. این کتاب به املائی پیامبر و قلم علی(ع) است، و در آن همه احکام شرعی و تفصیلات آیات قرآنی که مورد نیاز مردم است، بیان شده است.

و نیز کتابهایی که در آن آثار امام علی(ع) گردآوری شده، بسیار است. مهم ترین آن «نهج البلاغه» است که گزیده‌هایی از سخنرانیها، نوشته‌ها، نامه‌ها، حکمتها و پندهای امام را در بردارد. گردآورنده این کتاب «شریف رضی» است.

«مسند امام علی» هم کتابی است که روایات امام علی از پیامبر را جمع‌آوری کرده است. گردآورنده آن «ابن شعیب نسائی» است.

و نیز «غرر الحکم و درر الکلم» تألیف عبدالواحد آمدی که متضمن کلمات قصار و حکمت‌های علی ابن ابی طالب(ع) است.

در کنار همه اینها، امام علی برخی از پیروان مکتب خویش مثل سلمان فارسی، ابوذر غفاری و رافع، غلام پیامبر اکرم، و اصبع ابن نباته را راهنمایی کرد تا دست به تألیف و تصنیف کتاب بزنند.^(۲)

علاوه بر آن می‌توان با مراجعه به کتابهای رجال، زندگینامه کسانی را که نزد امام علی و فرزندان او حسن و حسین (علیهما السلام) شاگردی کردند مطالعه کرد.

۱- نگاه کنید: تکملة المنهاج، سید ابو القاسم خویی، ج ۲، کتاب الدیات.

۲- المراجعات، صص ۴۱۲ و ۴۱۳ / والمناقب ابن شهر آشوب.

همچنین باید توجه داشت که مدت امامت امام علی ابن الحسین (علیهما السلام) که سی و پنج سال به درازا کشید، فرصت مناسبی بود که زمینه تربیت نسلی متخصص از راویان، فقیهان و متکلمان را که برخی از صحابه و تابعان هم در میان آنان بودند، فراهم ساخت.^(۱)

امام زین العابدین(ع) خود رساله‌ای بسیار عالی تألیف کرده به نام «رسالة الحقوق» که شامل انواع حقوق و لوازم آن است.

نظیر همین فرصت تاریخی به امام صادق(ع) مجال داد تا دانشگاهی اسلامی در مدینه تأسیس کند که شاگردانش از بزرگترین محدثان، فقها و دانشمندان امت از مناطق مختلف نظیر عراق، حجاز، فارس و بلاد شام بودند. شاگردان امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) توانستند کتابها، پژوهشها و رساله‌های بسیاری تألیف و تصنیف نمایند. برخی از این شاگردان عبارت‌اند از: ابان ابن تغلب که سی هزار حدیث از امام صادق(ع) روایت کرده است و نیز ابو حمزه ثمالی، برید بن معاویه، ابو بصیر، زرارة ابن اعین، محمد ابن مسلم و هشام ابن حکم که بیست و نه عنوان از کتابهای او مشهور است.^(۲)

برخی از شاگردان امام صادق(ع) نیز به تدوین روایات و فتاوی او دست زده و آنها را در چهارصد مصنف گردآوری کرده‌اند که به «اصول اربعمأه» معروف‌اند. پس از اینها، شاگردان سایر امامان موسی الکاظم، علی ابن موسی الرضا، محمد الجواد، علی الهادی و امام حسن عسکری (صلوات الله علیهم اجمعین) در عرصه تألیف و تصنیف درخشیدند و روایات، فتاوا و رهنمودهای آن امامان را در زمینه‌های مختلف به‌ویژه در زمینه دانشهای اسلامی نقل کرده و از آن تصانیفی ساختند. از زمره این شاگردان‌اند: احمد ابن خالد برقی (مؤلف یکصد کتاب)

۱- المناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۶۱ / و رجال کشی.

۲- المراجعات، صص ۴۱۵ و ۴۱۹.

حسین ابن سعید (مؤلف سی کتاب) فضل ابن شاذان (مؤلف بیش از دویست کتاب) و محمد عیاشی (مؤلف نزدیک به دویست کتاب و پژوهش).^(۱)

اهل بیت پیامبر تنها به آموزش علوم اسلامی بسنده نمی‌کردند، بلکه علوم دیگر را نیز به شاگردان خود یاد می‌دادند. همچنان‌که امام علی ابن ابی طالب(ع) به ابو الاسود دؤلی، علم نحو را آموخت و امام صادق(ع) به جابر ابن حیان کوفی علم شیمی را آموزش داد.^(۲)

امامان اهل بیت هرچه را که نیاز امت بود از اصول عقاید، فقه، اخلاق و .. به مردم آموزش می‌دادند و آرای آنها فصل الخطاب کلیه اختلافات علمی و دینی بود که در میان دانشمندان اسلامی از مذاهب گوناگون کلامی و فقهی بروز می‌کرد. این نقش محوری و اثرگذار به‌ویژه در مسائل مربوط به توحید، صفات خالق، چگونگی تعلق صفات به ذات باری تعالی، عدل الهی و مسائل مربوط به آن، افعال انسان، مسائل قضا و قدر، جبر و تفویض و امر بین الامرین، بداء، تقیه و نیز قواعد اصولی و فقهی که پایه مکتبهای رائج فقهی بوده و هزاران کتاب در زمینه آن تألیف شده است، پیش‌بروز کرده است.^(۳)

۳- دانش اهل بیت در خدمت مصالح امت اسلامی

علی رغم همه سختیها و مرارت‌هایی که در دوره‌های مختلف بر ائمه اهل بیت تحمیل می‌شد، باز هم آنها به‌خاطر مصالح امت اسلام و وحدت مسلمانان و تقدم

۱- همان، ص ۴۲۲.

۲- نگاه کنید به: رجال کشی / تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، سید حسن صدر / مؤلفو الشیعه فی صدر الاسلام، سید عبدالحسین شرف الدین / رجال النجاشی / طبقات مؤلفی الشیعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی.

۳- همان.

این مصلحت بر هر چیز دیگر، فداکاری می‌کردند و این به‌خاطر رسالت سنگینی بود که بر دوش داشتند. ؛ به‌طوری که علوم آنان پیوسته در راه هدایت امت به صراط مستقیم الهی و خدمت به مسلمانان به کارگرفته می‌شد.

اولین مسأله‌ای که فراروی مسلمانان قرار گرفت، موضوع خلافت بود. امام علی با همه تصریحاتی که در باره حقانیت خویش ابراز نموده بود، به‌خاطر اهمیت خاصی که نسبت به مصالح امت داشت، راه سکوت و خویشتنداری را در پیش گرفت؛ زیرا مسلمانان در آن مرحله تاریخی در حال تثبیت موجودیت، قدرت و حاکمیت خویش بر سرزمینهای تازه فتح شده و گسترش دولت اسلامی بودند و موقعیت اجازه نمی‌داد کسی از موضوع خلافت چون برگ برنده‌ای در راه تفرقه در میان امت، سوءاستفاده کند و نقشه‌های خویش را پیش ببرد. این موضع اصولی امام در برخورد او با ابوسفیان آشکار است. هنگامی که پس از ماجرای سقیفه به وی پیشنهاد تصدی خلافت را داد، امام او را از خود راند و اهداف نادرستش را بر ملا نمود. از این بالاتر، در طول دوران زمامداری خلفای قبل از خود، هیچ‌گاه از بیان نظرات خیر خواهانه و ارائه مشورت به آنان دریغ نورزید.

کافی است که به خطبه شقشقیه و نامه امام به اهالی مصر که توسط مالک اشتر برای آنان فرستاده بود، نگاهی بیندازیم تا به طور خلاصه بر این حقایق وقوف پیدا کنیم. امام در پیام به ملت مصر می‌فرماید:

«ان الله سبحانه بعث نذيراً للعالمین، ومهیماً علی المسلمین، فلما مضى تنازع المسلمون الامر من بعده، فوالله ما كان یلقی فی روعی ولا یخطر ببالی ان العرب تزیح هذا الامر من بعده عن اهل بیته ولا انهم منحوه عنی من بعده. فما راعنی الا اثیال الناس علی فلان یبایعونه فأمسکت یدی حتی رأیت راجعة الناس قد رجعت عن الاسلام یدعون الی محق دین محمد، فخشیت ان انا لم انصر الاسلام واهله ان اری فیہ ثلما او هدما تكون المصیبة به علی

اعظم من فوت ولا یتکم الی انما هی متاع ایام قلائل یزول منها ما کان کما یزول السراب، او کما ینقشع السحاب، فنهضت فی تلك الاحداث، حتی زاح الباطل وزهق واطمأن الدین^(۱)».

«همانا خداوند سبحان محمد(ص) را برانگیخت تا جهانیان را - از نافرمانی او - بیم دهد و گواه پیامبران - پیش از خود - گردد. چون او به سوی خدا رفت، مسلمانان پس از وی در کار حکومت به هم افتادند - و دست ستیزه گشادند. - و به خدا در دلم نمی گذشت و به خاطر نمی رسید که عرب خلافت را پس از پیامبر(ص) از خاندان او برآرد، یا مرا پس از وی از عهده دار شدن آن بازدارد. و چیزی مرا نگران نکرد و به شگفتم نیاورد، جز شتافتن مردم بر فلان از هر سو و بیعت کردن با او. پس دست خود باز کشیدم، تا آنکه دیدم گروهی در دین حق نماندند، و از اسلام روی برگرداندند و مردم را به نابود ساختن دین محمد خواندند. پس ترسیدم که اگر اسلام و مسلمانان را یاری نکنم، رخنه ای در آن بینم یا ویرانی، که مصیبت آن بر من سخت تر از - محروم ماندن از خلافت - است و از دست شدن حکومت شما، که روزهایی چند است که چون سرابی نماند، یا چون ابر که فراهم نشده پراکنده گردد. پس در میان آن آشوب و غوغا برخاستم تا جمع باطل پراکنده شده و محو و نابود گردید، و دین استوار شد و بر جای بیارمید»^(۲).

دلالت این سخنان بر اهتمام امام علی علیه السلام به مصالح اسلام آشکاراست؛ با اینکه او تصریح دارد که شایسته ترین کس برای جانشینی پیامبر بوده است.

اما هیچ گاه در برابر مسائل سرنوشت ساز اسلام بی طرف نبود. او همیشه با

۱- نهج البلاغة، نامه ۶۲.

۲- ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی.

مسائل و رویدادها برخورداردی فعال داشت. موضع‌گیری او در برابر «جنگهای رده» و «امتناع کنندگان از پرداخت زکات» و «تجاوزات و تخلفات» برخی از فرماندهان سپاه اسلام، نمونه روشن این برخورد فعال و مسئولانه است. در تمام این حوادث، امام به آنچه تکلیف شرعی خود می‌دانست جامه عمل پوشاند. موضع‌گیری امام در زمان خلافت عمر نیز در همین راستا قابل ارزیابی است. هنگامی که خلیفه در مورد حضور خود در جنگ با رومیان از او نظر خواست، امام توصیه کرد که شخص عمر در معرکه حاضر نشود. زیرا او خلیفه مسلمانان و محور وحدت آنان است.^(۱) در جریان جنگ با ایران هم امام(ع) همین موضع را ابراز کرد و فرمود:

«فکن قطباً، واستدر الریح بالعرب واصلهم دونک نار الحرب، فانک ان شخصت من هذه الارض انتفضت عليك العرب من اطرافها واقطارها، حتی یکون ما تدع واءک من العورات اهم الیک مما بین یدیک».^(۲)

«تو همانند قطب بر جای بمان، و عرب را چون آسیا سنگ گرد خود بگردان، و به آنان آتش جنگ را برافروزان که اگر تو از این سرزمین برون شوی، عرب از هر سو تو را رها کند، و پیمان بسته را بشکند، و چنان شود که نگاهداری مرزها که پشت سر می‌گذاری برای تو مهمتر باشد از آنچه پیش روی داری».^(۳)

صلح امام حسن(ع) با معاویه در آن شرایط استثنایی که بر امام می‌گذشت و امت بدان مبتلا بود، نیز بر همین منوال است. و نیز انقلاب خونین امام حسین(ع) و قربانی شدن او و یاران و اهل بیتش در راه مصلحت امت اسلام و جلوگیری از سلطه منحرفان بر پیکره آن.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۴.

۲- همان، خطبه ۱۴۶.

۳- ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی.

امام سجاد(ع) هم با دعا کردن برای سپاهیان مسلمان (با اینکه آنان تحت فرماندهی بنی امیه بودند که رفتارشان ذائقه اهل بیت را بسیار تلخ کرده بود) بسیار جلب نظر می‌کند. امام سجاد در این دعا که به دعای اهل ثغور (مرزداران) معروف است می‌فرماید:

«اللهم صل علی محمد واله وحصن ثغور المسلمین بعزتک واید حماها بقوتک... وکثر عددهم واشحذ اسلحتهم... والف جمعهم، ودبر امرهم. وواتر بین میرهم، و توحید بکفایة مؤنهم واعضدهم بالنصر، واعنهم بالصبر... اللهم اعز بكل ناحیه من المسلمین علی من أزاءهم من المشرکین وامدهم بملائکة من عندک مردفین».^(۱)

«خدایا بر محمد و آلش رحمت فرست و مرزهای مسلمانان را به عزت و قدرت خویش محکم گردان... و شمار آنان را افزون فرما، و اسلحه آنان را بران بگردان، و جماعت آنان را الفت عطا فرما، و کارشان را تدبیر فرما، و آذوقه‌شان را پی در پی برسان، و به تنهایی مشکلاتشان را کفایت نما، و با یاری خود آنان را تقویت فرما، و با صبر و استقامت یاری فرما... خدایا در هر ناحیه‌ای مسلمانان را در برابر مشرکان عزت ببخش و با فرشتگان پیایی مدد برسان».

امام باقر(ع) هم هرگاه مصلحت اقتضا می‌کرد دانش و تخصص خود را در اختیار دولت اسلامی قرار می‌داد. از جمله در ماجرای ضرب اولین سکه در زمانی که قیصر روم عبدالملک مروان را تهدید به استفاده از کلمات نامناسب بر روی سکه‌های رایج در سرزمینهای اسلامی نموده بود،^(۲) امام باقر به عبدالملک مروان توصیه کرد که سکه به نام خودش ضرب کند.

۱- صحیفه سجادیه، دعای ۲۷.

۲- قابل توجه است که تا زمان حکومت عبدالملک مروان سکه‌های امپراطوری روم در بین مسلمانان رایج بود. و هنوز مسلمانان اقدام به ضرب سکه نکرده بودند.

امام صادق نیز در زمان خلافت بنی عباس در برابر پراکندگی فرقه‌ها و اختلافات بین امت اسلام، به پیروان خویش دستوراتی بسیار خیرخواهانه صادر کرد. آن حضرت در مورد سلوک با پیروان سایر مذاهب اسلامی به شیعیان می‌فرمود:

«صَلُّوا فِي جَمَاعَتِهِمْ، وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ، وَاحْضَرُوا جَنَائِزَهُمْ وَمُوتَاهُمْ، حَتَّى يَقُولُوا رَحِمَ اللَّهُ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ، فَلَقَدْ آدَبَ أَصْحَابَهُ، كُنُوا زِينَةً لَنَا وَلا تَكُونُوا شِيناً عَلَيْنَا».^(۱)

در جماعت‌های آنان نماز بخوانید، بیمارانشان را عیادت کنید و در تشییع جنازه مردگان‌شان شرکت کنید تا بگویند: «خداوند جعفر بن محمد را رحمت کند که یارانش را خوب تربیت کرد» شما زینت ما باشید نه موجب ننگ و سرافکندگی ما».

سایر امامان هم همین رفتار را داشتند، و با مراجعه به منابع تاریخی و کتب معتبر می‌توان به آن دست یافت. این نوع برخورد و موضع‌گیری به‌طور کلی از نگاهی منحصر به فرد به مسائل امت اسلامی و شناختی دقیق از مصالح عالی‌ه آن حکایت می‌کند.

۱- الفصول المهمة في تأليف الامة، سيد عبدالحسين شرف الدين.

آخرين سخن

مقدمه:

در بخش پایانی کتاب، نتایجی را که از مطالب گذشته به دست می‌آید، در برابر پژوهشگران می‌گذاریم تا با کنکاش و گفت‌وگو پیرامون آن، بر غنای مطالب بیفزایند و خود در بارور ساختن آن تلاش نمایند.

۱- قرآن کریم و سنت شریف نبوی بر مرجعیت علمی اهل بیت برای همه مسلمانان تأکید می‌ورزند.

۲- سنت شریف نبوی با تصریح بر اوصاف و اعداد، مقصود از اهل بیت را روشن ساخته است.

۳- اهل بیت پیامبر در زندگی علمی خود به هیچ‌کس جز معصوم قبل از خود نیازمند نبوده‌اند.

۴- بزرگان امت اسلام و شخصیت‌های برجسته مسلمانان، از خلفای راشدین و ائمه مذاهب گرفته تا دانشمندان امروز، به اعلم بودن اهل بیت و نیاز همه مسلمانان به مرجعیت علمی آنان گواهی داده‌اند.

۵- اهل بیت پیامبر علی رغم دشواریها و تلخیهای بسیار که در طول تاریخ با آن مواجه بوده‌اند، پیوسته دانش خود را در خدمت مصالح و منافع امت اسلام قرار داده‌اند.

۶- بنا به آنچه گذشت، اهل بیت پیامبر صرف نظر از شرایط زمانی و مکانی،

مرجعیت علمی عامه مسلمانان را به عهده داشته‌اند و این حداقل چیزی است که همه مسلمانان در مورد آن به عنوان محور وحدت اتفاق نظر دارند.

به عبارت دیگر: هرچند امامت و زعامت سیاسی اهل بیت پیامبر مورد اختلاف مسلمانان است ولی مرجعیت علمی آنان - بر اساس آنچه گذشت - نقطه اشتراک امت اسلام است. البته اتفاق نظر مسلمانان بر این امر سرنوشت ساز که همواره حکام و سیاستمداران در طول تاریخ سعی در سرپوش نهادن بر آن داشته‌اند، بسیار با اهمیت است.

در اینجا مناسب می‌دانم با اشاره به روش علمی - استقرایی شهید آیت الله سید محمد باقر صدر - اعلی الله مقامه الشریف - در اثبات وجود خدا، آن را در اثبات شایستگی اهل بیت (علیهم السلام) در مرجعیت علمی امت اسلام به کار گیرم. زیرا این روش که بر حساب احتمالات تکیه دارد، در اثبات کلیه حقایق علمی معتبر و جواب‌گوست.

روش استقرایی در اثبات حقایق علمی

روش استقرایی در اثبات حقایق علمی دارای پنج مرحله به شرح زیر است:

۱- شناخت حسی و تجربی آثار و خواص «پدیده» ای که در پی «تفسیر» آن هستیم.

۲- با مشاهده «حسی» آثار و خواص «پدیده» مورد نظر و به منظور تفسیر آن، به مرحله «فرضیه» سازی می‌رسیم و از راه تجزیه و تحلیل «پدیده» به خلق «فرضیه» ای دست می‌زنیم که توانایی «تعلیل» و «تفسیر» همه آن «آثار و خواص» را دارا باشد. معنای «توانایی تعلیل و تفسیر همه آثار و خواص پدیده» آن است که با وجود این «علت فرض شده» همه آن «آثار و خواص» بالفعل موجود باشند.

۳- اگر «فرضیه» ما در واقع صحیح نباشد، احتمال وجود همه آن «آثار و خواص» در یک جا بسیار ضعیف است. یعنی نسبت «احتمال وجود» همه آنها به «احتمال عدم» آن یا حداقل «احتمال عدم یکی از آنها» بسیار ناچیز است.

۴- بنابراین نتیجه می‌گیریم که «فرضیه» ما صادق است. و دلیل صدقش این است که همه این آثار و خواص با هم در یک جا جمع شده است؛ همان که در اولین گام آن را احساس کردیم.

۵- درجه اثبات این آثار نسبت به «فرضیه طرح شده» در گام دوم با نسبت احتمال وجود همه این «آثار و خواص» به احتمال عدم وجود آن در فرض دروغ بودن «فرضیه»، نسبت معکوس دارد. هر چه این نسبت (دومی) کمتر باشد درجه اثبات بزرگتر است؛ تا جایی که در حالات عادی بسیاری، به درجه یقین کامل نسبت به صحت فرضیه می‌رسد.

و ما در این بحث، همین شیوه را به گونه‌ای غیر مستقیم به کار گرفتیم و گفتیم این پدیده‌های ثابت تاریخی با شایستگی حقیقی اهل بیت (علیهم السلام) برای مرجعیت علمی امت اسلام هماهنگی دارد؛ و گرنه ناچار به پذیرش حوادثی اتفاقی می‌شویم که اجتماع تصادفی آنها معقول نیست.

امیدواریم که اهل علم و متخصصین، از این شیوه استدلال علمی طبق مراحل که شهید صدر بیان کرده است در این قبیل موضوعات سرنوشت ساز برای امت اسلام بهره بگیرند؛ موضوعات سرنوشت سازی که به «رسالت خاتمه» پیامبر که همه بشریت را به عدالت و سعادت و خیر دنیا و آخرت بشارت می‌دهد مربوط می‌شود.

از این مباحث و مطالب نتیجه می‌گیریم که: امت اسلام برای گسترش منابع اصیل خود و توانایی بیشتر برای پاسخگویی به پرسشهای حیاتی و متنوع زمان، و نیز

هماهنگی بیشتر با رهنمودهای قرآن کریم و سنت شریف نبوی، باید به میراث عظیم اهل بیت مراجعه کند و در رسیدن به وضعیت تمدنی مطلوب و تثبیت آن، از سرمایه‌های گرانسنگ علوم اهل بیت بهره ببرد.

محمد علی تسخیری
تهران / صفر الخیر ۱۴۲۲

پيوست :

بيانيه پاياني

چهاردهمين كنفرانس بين المللي وحدت اسلامي

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين وصحبه
المنتجبين ومن تبعهم باحسان الي يوم الدين.

قال الله تعالي: (قل لا اسئلكم عليه اجراً الا المودة في القربى).

بگو (ای پیامبر) که برای رسالت خود اجری از شما نمی خواهم، مگر محبت
به نزدیکانم.

به دعوت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چهاردهمین کنفرانس
بین‌المللی وحدت اسلامی از تاریخ ۲۰ تا ۲۲ خرداد ماه ۱۳۸۰ هجری شمسی،
مطابق با ۱۷ تا ۱۹ ربیع الاول ۱۴۲۲ هجری قمری و ۱۰ تا ۱۲ ژوئن ۲۰۰۱
میلادی در تهران برگزار شد.

در این نشست، گروهی از دانشمندان، فرهیختگان، سیاستمداران و
کارشناسان علوم ارتباطات از کشورهای اسلامی و سایر کشورها حضور یافتند
تا راهکارهای لازم برای تحقق وحدت اسلامی و رویارویی با چالشهای دشوار
امت بزرگ اسلامی در تاریخ معاصر را مورد بررسی قرار دهند؛ با این باور که
وحدت این امت در زیر پرچم توحید، اساس عزت و نیرومندی آن در رویارویی

با انواع تجاوزهاست.

در آغاز، شرکت کنندگان کنفرانس به محضر ولی امر مسلمین حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای حفظه الله شرفیاب شدند. این دیدار سرشار از اندیشه‌های سازنده‌ای بود که معظم له برای تجدید عظمت و سربلندی امت اسلام و اعلام روشهای بازآفرینی رهبری این دین و امت بر روی کره زمین مطرح فرمودند. نشست‌های کنفرانس چهاردهم و برنامه کار آن، براساس عنوان و محور اصلی «جایگاه اهل بیت در اسلام و امت اسلامی» تنظیم شده بود.

بر این اساس، بر محبت و مودت اهل بیت تأکید بسیاری صورت گرفت و همگان به تعمیق و تحکیم این اصل که پاسخی است به ندای خدای متعال در قرآن کریم که «بگو (ای پیامبر) برای رسالت خود اجری از شما نمی‌خواهم، مگر محبت به نزدیکانم را» فراخوانده شدند.

کنفرانس تأکید می‌کند که مودت اهل بیت(ع) از عوامل نزدیکی و وحدت مسلمانان است و خدای متعال، همه ما را بر حب الهی و حب پیامبر(ص) و اهل بیت و یاران صالحش مجتمع ساخته است. چنین مودتی که قرآن کریم همه ما را به سوی آن فراخوانده و روایات صحیح منقول از پیامبر اکرم(ص) بر آنها به طور مکرر تأکید ورزیده است، اهل بیت(ع) را در جایگاه شاهد اسوه و الگوی برتر در زندگی این امت قرار می‌دهد. لذا مودت آنان باید از حالت عاطفی صرف، به رفتار دائمی در زندگی این امت مبدل شود.

کنفرانس، پیرامون مرجعیت علمی اهل بیت(ع) که رسول گرامی اسلام(ص) در حدیث مشهور ثقلین بر آن تأکید فرموده است، مباحثات فراوانی داشت؛ حدیثی که امام مسلم در صحیح خود و بسیاری از اصحاب صحاح و محدثان

موشق آن را روایت کرده‌اند.

در این زمینه، روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) در مناسبت‌های گوناگون نقل شده است و دلالت بر آن دارد که پیامبر اکرم (ص) همواره به تحقق محوریت و مرجعیت اهل بیت در زندگی این امت اهتمام ورزیده است تا آنان پناهگاه امت در برابر فتنه‌های گمراه‌کننده باشند.

کنفرانس در باره فقه اهل بیت (ع) نیز کوشش‌های فراوانی داشت و مذاهب فقهی اسلامی را به ارتباط و تعامل با این مکتب فقهی فراخواند؛ همان‌گونه که پیش از این نیز گروهی از مردان بزرگ علم و فقه از میان ائمه مسلمین - رحمة الله علیهم - مانند امام شیخ محمود شلتوت شیخ اسبق الأزهر - رحمة الله علیه - چنین کردند.

گشوده بودن باب اجتهاد در مکتب اهل بیت که بیش از هزار سال از آغاز آن می‌گذرد، به فقه اهل بیت، توان علمی سترگ بخشیده و پایه‌های محکم و استواری در استنباط فقهی برای آن ایجاد کرده است. این اصل در قاعده‌مند کردن احکام فقهی، قدرت برجسته‌ای برای فقه اهل بیت فراهم آورده است. از این رو شایسته است که فقهای مسلمان آغوش خود را به روی فقه اهل بیت، در کنار فقه سایر مذاهب بکشایند.

کنفرانس، همگان را به توجه و عنایت در خور، به تاریخ سادات اهل بیت و علمای آنان و نقش آنها در اصلاح این امت و گسترش اسلام و حفظ حدود و ثغور مسلمین و بررسی مهاجرت گسترده آنان به چهار سوی جهان اسلام و سایر کشورهای دیگر در شرق و غرب جهان و ارزیابی خیر و برکتهایی که این

مهاجرتها برای اسلام و مسلمانان در برداشته است، فرا می خواند.

کنفرانس بر ضرورت اهتمام به احیای علم انساب و سرشماری سادات اهل بیت و سازمان دهی مجدد نقابت سادات بیت نبوی به شیوه معهود در تاریخ اسلام و تأسیس یک مرکز اسناد که عهده دار ضبط شجره نامه های سادات باشد و تدارک کتابخانه عمومی وابسته به آن تأکید می ورزد.

کنفرانس در چارچوب بررسی مسئله وحدت اسلامی به موضوع تهاجم فرهنگی غرب علیه جهان اسلام که وحدت و امنیت فکری و میراث تمدنی آن را به مخاطره افکنده و در این راه، از همه ابزارهای تبلیغاتی نوین، بهره می گیرد پرداخته و توصیه می کند که مؤسسات تبلیغاتی، فرهنگی و علمی وسیعی برای رویارویی با چالشهای نهادهای تبلیغاتی و فرهنگی غرب ایجاد شود؛ به گونه ای که بتواند از لحاظ حجم و توان فعالیت با آنها برابری کند.

کنفرانس از همه ملتها و رهبران مسلمان می خواهد که با همه امکانات سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی به حمایت از انتفاضه ملت فلسطین که بازگو کننده اراده امت اسلامی در آزاد سازی این سرزمین و قدس شریف و مسجد الاقصی است، بپردازند. بر همه مسلمانان است که با تمام توان خود، در راه حمایت از انتفاضه و توقف کشتارهای فجیع بشری که توسط رژیم صهیونیستی با وحشیانه ترین شیوه هایی که تاریخ مانند آن را ندیده است، صورت می گیرد، گام بردارند.

ما یقین داریم چنانچه مسلمانان موضعی نیرومند و متحد در برابر حمایت سیاسی، تبلیغاتی، اقتصادی و نظامی نامحدود امریکا از دشمن صهیونیستی اتخاذ کنند، این کشور ناچار به تغییر سیاست حمایت گرانه خود از غاصبان فلسطین

خواهد شد و دشمن صهیونیستی نیز وادار خواهد شد دست از تجاوزات نامحدود خود به مردم فلسطین بردارد و از موضع سرسختانه خود عقب‌نشینی کند؛ همان‌گونه که در گذشته، تحت تأثیر حملات مقاومت اسلامی از جنوب لبنان عقب‌نشینی کرده است.

کنفرانس به مسئله مسلمانان بالکان، چین، افغانستان و سایر مناطق، و همچنین رنجها و محنتهایی که بر آنان جاری است، اهتمام ویژه‌ای دارد و امت اسلامی را به بذل توجه به این مسئله و تلاش برای زدودن رنجهای کشتار و آوارگی از آنان فرا می‌خواند.

کنفرانس با اعلام رضایت از توافق و نزدیکی مسلمانان، خواستار کاربرد بیشتر گفتگوی علمی و اصولی در برخورد با اختلافهای فکری، فقهی و فرهنگی میان مسلمانان، با روحیه تسامح و برادری است و نسبت به طرح مسایل اختلاف برانگیز در فضای غیر علمی و غیر تخصصی هشدار می‌دهد.

در پایان، شرکت‌کنندگان از خداوند متعال می‌خواهند این امت را که پرچمدار توحید در عصر حاضر است، از فجایع و محنتهایی که از آن رنج می‌برند، رهایی بخشد و زیر لوای توحید، وحدت کلمه آنان را محقق سازد، صفوف آنان را متحد و قلوب آنان را نزدیک کند و آنان را رهبران و امامان و طلابه‌داران جهان قرار دهد و به وسیله آنان، اسلام و مسلمانان را عزت، و کفر و کافران را ذلت بخشد.

شرکت‌کنندگان مراتب تشکر و تقدیر خود را از مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به خاطر برگزاری این کنفرانس ارزشمند برای بررسی جایگاه اهل بیت در میان مسلمانان ابراز می‌دارند و از رهبری، دولت و ملت جمهوری اسلامی

برای دعوت کریمانه‌شان تشکر می‌کنند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

فهرست منابع و مصادر

- ۱- قرآن مجید
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- صحیفه سجادیه
- ۴- ائمة اهل البيت وحدة هدف و تنوع ادوار/ سید محمد باقر صدر
- ۵- الاحتجاج / شیخ طبرسی
- ۶- الاختصاص / شیخ مفید
- ۷- الاستبصار / شیخ طوسی
- ۸- اسد الغابة / ابن اثیر
- ۹- الاسس المنطقية للاستقراء / سید محمد باقر صدر
- ۱۰- الاصول العامة للفقہ المقارن / سید محمد تقی حکیم
- ۱۱- اعیان الشیعة / سید محسن امین عاملی
- ۱۲- الامالی / شیخ صدوق
- ۱۳- الامام جعفر الصادق / شیخ محمد ابو زهره
- ۱۴- اهل البيت في الكتاب والسنة / محمد محمدی ری شهری
- ۱۵- بحار الانوار / علامه محمد تقی مجلسی

- ١٦- البداية والنهاية / ابن كثير
- ١٧- بصائر الدرجات / ابو جعفر صفار قمي
- ١٨- تأسيس الشيعة لعلوم الاسلام / سيد حسن صدر
- ١٩- تاريخ بغداد يا مدينة السلام / محب الدين خطيب بغدادى
- ٢٠- تاريخ الخلفاء / عبدالرحمن سيوطى
- ٢١- تاريخ دمشق / ابن عساكر
- ٢٢- تحف العقول عن ال الرسول / ابن شعبه حرانى
- ٢٣- تفسير القرآن / محمد ابن جرير طبرى
- ٢٤- تكملة المنهاج / سيد ابو القاسم خويى
- ٢٥- التهذيب / شيخ طوسى
- ٢٦- تهذيب التهذيب
- ٢٧- حلية الاولياء وطبقات الاصفياء / ابو نعيم اصفهانى
- ٢٨- خصائص الامام امير المؤمنين / نسائى
- ٢٩- الخطط السياسية لتوحيد الامة الاسلامية / احمد حسين يعقوب
- ٣٠- الدر المنثور فى التفسير المأثور / عبد الرحمن سيوطى
- ٣١- دلائل النبوة / بيهقى
- ٣٢- ديوان ابو فراس حمدانى / تحقيق دكتور محمد بن شريفه
- ٣٣- الرجال / ابن عقده زيدي
- ٣٤- رجال كشى
- ٣٥- رجال النجاشى
- ٣٦- الرياض النضرة / محب طبرى
- ٣٧- سنن ترمذى
- ٣٨- سنن دارمى
- ٣٩- السنن الكبرى / ابو بكر بيهقى
- ٤٠- سلونى قبل از تفقدونى / شيخ محمد رضا الحكيمى

- ۴۱- شواهد التنزیل لقواعد التفصیل / حاکم نیشابوری
- ۴۲- صحیح ابن ماجه
- ۴۳- صحیح بخاری / محمد ابن اسماعیل بخاری
- ۴۴- صحیح مسلم / مسلم نیشابوری
- ۴۵- صحیح نسائی
- ۴۶- الصواعق المحرقة / ابن حجر عسقلانی
- ۴۷- الطبقات الكبرى / ابن سعد
- ۴۸- طبقات مؤلفی الشيعة / شیخ آقا بزرگ تهرانی
- ۴۹- عرائس التیجان / ثعلبی
- ۵۰- عیون اخبار الرضا / شیخ صدوق
- ۵۱- فرائد السمطین / ابراهیم جوینی
- ۵۲- الفصول المهمة فی تألیف الامة / سید عبدالحسین شرف الدین
- ۵۳- فضائل الخمسة من الصحاح الستة / فیروزآبادی
- ۵۴- فضائل الصحابة / محمد ابن احمد ابن حنبل
- ۵۵- قصة التقريب / محمد تقی قمی
- ۵۶- الکافی / محمد ابن یعقوب کلینی
- ۵۷- کفاية الطالب / کنجی
- ۵۸- کنز العمال / متقی هندی
- ۵۹- کنوز الحقایق / مناوی
- ۶۰- مؤلفوا الشيعة فی صدر الاسلام / سید عبدالحسین شرف الدین
- ۶۱- المراجعات / سید عبدالحسین شرف الدین
- ۶۲- المرسل، الرسول، الرسالة / سید محمد باقر صدر
- ۶۳- المستدرک علی الصحیحین / حاکم نیشابوری
- ۶۴- مسند ابو یعلی
- ۶۵- مسند احمد بن حنبل / احمد ابن محمد ابن حنبل

- ۶۶- مسند شافعی / محمد ابن ادريس شافعی
- ۶۷- مطالب السؤل / ابن طلحة شافعی
- ۶۸- المعجم الكبير / لخمى طبرانى
- ۶۹- المناقب / ابن شهر آشوب
- ۷۰- المناقب / ابن المغازلى
- ۷۱- مناقب ابى حنيفة / موفق
- ۷۲- الموطأ / مالك ابن انس
- ۷۳- نور الابصار / شبلى
- ۷۴- وفيات الاعيان / ابن خلکان
- ۷۵- ينابيع المودة / قندوزى حنفى